

همه فریادها بر سر امپریالیسم آمریکا

سخنان صائب و کوبنده امام در دیدار با اسقف کابوچی در حکومت امپریالیسم جهانخوار آمریکا، باردیگر تصویری روشن از قاطعیت انقلابی امام در مقابله با امپریالیسم آمریکا را به جهانیان نشان داد.

امام در این دیدار، نظام ظلم و جور و سرکوب و غارتگری امپریالیسم آمریکا را بدست محکوم کرد، تمام امید آمریکا را به کشودن روزه های شاز و آشتی با جمهوری اسلامی ایران نقش بر آب ساخت و بیانگر احساسات مردم رنج کشیده ای شد که این باور انقلابی را در خود پرورده اند که:

"اگر آمریکا تمام مردم ما را هم از بین ببرد، دیگری نمی تواند به اینجا بیاید و منافع خود را تامین کند."

سخنان امام بویژه در شرایطی اهمیت خطیر کسب می کند که از یکسو انقلاب نوپای مادرتیروس توطئه های دائمی امپریالیسم آمریکا است و از سوی دیگر قاصدان امپریالیسم آمریکا گاه و بیگاه حامل نامه ها و پیام هایی هستند که نه تنها تهدید و ارباب در آن مستتر است، بلکه مودیان، "آشتی جویانه" است. کلمات صائب امام، هم این و هم آن را رد می کند. به تلاش امپریالیسم آمریکا برای آنکه بهرحله دردل مردم ما راهی برای خود بگشاید، قاطعانه پاسخ "نه" می گوید:

— ما نمی توانیم دیگر زیر بار آمریکا برویم،
— ما در مقابل آمریکا ایستاده ایم تا آخر، و نخواهیم گذاشت آمریکا بازگردد.

و در برابر دسیسه ها و توطئه های امپریالیسم آمریکا، باور و ایمان یک خلق را پشتوانه سخنان خود می کند و همه قدرت نظامی آمریکا را در برابر اراده مردم به بیداری به هیچ می گرد و می گوید:

— ملت ما تا آخرین نفس برای دفاع از حق حاضر است.

کلام امام تاکیدی مجدد بر این حقیقت است که دشمن اصلی ما آمریکا است. اگر در نخستین روزهای پس از اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، و رهنمود امام در مورد انقلابی بزرگتر از انقلاب اول، کسانی بودند و اکنون نیز هستند که سعی در خارج ساختن امپریالیسم آمریکا از زیر ضربه دارند و بدنبال هر عیب گوئی اجباری از آمریکای تبهکار، هزاران دشنام و اتهام نثار "سویال امپریالیسم" می کنند، بیان اخیر امام باید برای آنان هشدار باشد. نفرت امام خمینی از امپریالیسم آمریکا برخاسته از ماهیت این امپریالیسم و عملکرد جنایتکارانه آن در کشور است.

و متکی بر واقعیتی است که به هیچ وجه انکار کردن نمی نیست. بررسی رخداد های پس از انقلاب به تنهایی هر فردی غرضی را به این نتیجه می رساند که دشمن اصلی ما واقعا امپریالیسم آمریکا است.

در روز هایی که انقلاب ما گام به گام به سوی بتیبه در صفحه ۲

اخبار کاملاً موثق درباره فعالیت ضد انقلاب

استفاده میکند. هم اکنون در عمان چند اردوگاه تعلیماتی بوجود آورده اند که تجزیه طلبان بلوچ را تعلیم می دهند و مربیان آمریکایی و انگلیسی این اردوگاه ها را اداره میکنند. یکی از اردوگاه ها در محلی بنام حیکو (؟) واقع شده است. در اواسط اردیبهشت ماه، هفتاد نفر از این پایگاه به ایران فرستاده شده اند که بهین آنها افسران عمانی هم بوده اند. در اردیبهشت سال جاری در ایرانشهر، یک افسران ارتش عمان بنام سرگرد محمد حسن درخشان، که اصلاً بلوچ است، فعالیت می کرده است وی از آنجا به پاکستان (پیشاور) رفته و با نمایندگان "سیا" دربارۀ شورش بلوچها و افغانها مشورت کرده و همراه با آنها طرح تدارک شورش را می ریزد.

به اردوگاه حیکو (؟) عده ای افغانی بقیه در صفحه ۲

— عمان به پایگاه اصلی توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران بدل شده است
— در اردوگاهی در منطقه حیکو (؟) مربیان آمریکائی و انگلیسی، تجزیه طلبان بلوچ و مزدوران افغانی را برای ورود به ایران و توطئه علیه انقلاب ایران آموزش میدهند
— یکی دیگر از اردوگاههای ضد انقلابیون در آلمان غربی قرار دارد

۱- طبق قرارداد که بین دولت آمریکا و عمان به مضاء رسیده است، آمریکا از خاک عمان بعنوان پایگاه اصلی علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران

دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا از ریاکاری و سازش طلبی پرده برمی دارند

آزادی های ابتدایی را، که او عوامفریبانه در دیگر کشورهای جهان، بویژه در کشورهای سوسیالیستی، سنگان را به سینه می زند، تخمین کند، چه رسد به داعیه دفاع از "حقوق بشر" او! ریاکاری "بشر دوستانه" کارتر و شرکا، که بارها در تجاوزات جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا و دسیسه های تبهکارانه اش علیه خلق های ستمدیده جهان به ثبوت رسیده است، این بار در قلب "جهان آزاد" عیان می گردد.

از سوی دیگر، ندای دانشجویان مبارز ما در آمریکا پاسخ دندان شکنی است به "لیبرال" هایی که، از روز نخست پس از پیروزی انقلاب و با نادیده انگاشتن خواست عمیق توده خلق ما،

اعتراض دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل به تصمیم «کنشت»

دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل، تصمیم با رلمان اسرائیل را مبنی بر الحاق بخش عرب نشین بیت المقدس به خاک اسرائیل، "تحریک مبارزانه فلسطینی و توهین به سازمان ملل" خواند. وی افزود: این تصمیم مانع از آن خواهد شد که صلح در منطقه خاورمیانه مستقر گردد.

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره: هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۱
چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵ ریل

دانشجویان ایرانی مقیم ایالات متحده آمریکا که در روزهای اخیر آماج حمله وحشیانه پلیس آمریکا و تضيقات فزاینده دستگاه "امنیتی" کارتر قرار گرفته اند، با تظاهرات خود به هواخواهی از انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران و ایستادگی ستایش انگیزشان در برابر درخیمان کاخ سفید و ایادی ساواکی آنها، در شرایط کنونی نقشی بس ارزنده در شناساندن انقلاب ایران به افکار عمومی جهان بازی کرده اند. آنها، بدینسان باردیگر سنت افتخار آفرین دانشجویان ایرانی رزمنده خارج از کشور را، که در دوران غارت و خفقان "اریامهری" با اعتراضات و روشنگری های خود، همواره در رام رسوا کردن ماهیت وابسته و دیکتاتوری رژیم شاه مخلوع گام بر میداشتند، ادامه می دهند.

دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا، از یکسو از چهره ریاکارانه کارتر پرده بردیده اند، که بوق و کرنای ناهنجار کارزار "حقوق بشر" در ماههای گذشته گوش جهانیان را کر کرده است و از سوی دیگر لیبرال های شناخته و ناشناخته را رسوا می سازند، که چه آشکارا چه نهان، بیوسته کوشیده اند، تا با طرح مسائل فرعی و علم کردن دشمن بنداری، امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج سازند — مریکایی که، بگفته امام خمینی، "شیطان بزرگ" مصرما و بداعتقاد همه انقلابیون راستین و بگواه اربخ گذشته و حال، دشمن اصلی خلق ما است. رفتار سبانه و خوشنبتار دولت آمریکا در قبال دانشجویان ایرانی مقیم آن کشور نشان می دهد، که کارتر حتی در چند قدمی کاخ سفید نیز نمی تواند

اعلامیه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم): تاکتیک ادامه چماق داری در پوشش وحدت حزبی

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم)، در رابطه با تلاش هایی که در جهت لووت کردن موضع گیری قاطع این جناح در قبال انحرافات "گروه قاسطلو" بعمل می آید، اعلامیه ای انتشار داده است. در این اعلامیه آمده است:

مردم مبارز ایران! خلق رزمنده کرد!

در تاریخ ۵۹/۵/۶ هیئت سه نفری از طرف مابقی اعضا کمیته مرکزی پیشنهادی بدون مهر و امضاء مبنی بر همکاری مجدد را مطرح کردند. پیشنهادشان بدین قرار بود که مابقی اعلامیه ای چند سطر زیر را بنویسیم:

"ما گروه هفت نفری بدینوسیله اعلام میداریم که اقدام خود را مبنی بر انشعاب و جدائی از حزب دمکرات کردستان ایران علی اشتباه آمیز میدانیم و حاضریم به صفوف حزب بازگردیم و مسائل مطروحه را در چهارچوب مفاد اساسنامه حزب بحث و حل نماییم."

ما جهت روشن شدن اذهان مردم بارها تاکید کرده ایم که این اعلام موضع انشعاب نیست، بلکه طرد سرطان انحراف است که به سرنوشت انقلاب ایران و مبارزه خلقان جهت کسب خواستهای حق طلبانه اش پیوند مستقیم دارد. خلق کردنیک می داند که بعد از اعلام بقیه در صفحه ۲



و آنچه ثابت بگوش می رسید، شعار "مرگ بر آمریکا" و "مرگ بر پلیس فاشیست آمریکا" بود.

مراسم احیاء توسط علی اکبر پرورش نماینده مردم اصفهان برگزار شد. ما عت بعد از نیمه شب، هنگامی که مراسم به اتمام رسید، مردم در حالیکه هنوز مشت های گره کرده خود را علیه مبر یا لیسم آمریکا می نمایانند، متفرق شدند. تا ساعتی بعد، آنها که هنوز مانده بودند، فریاد می زدند: **مرگ بر امپریالیسم آمریکا**.

مشت محکم خود را، مشت دهها هزار نفر را، مشت بزرگ ملتی را به آمریکا نشان میداد: ای آمریکا سنگت یابد.

درگردهمایی عظیم مراسم شب احیاء، که به دعوت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مستقر در لانه جاسوسی آمریکا، برگزار شده بود، دهها هزار نفر از مردم گوشه و کنار تهران شرکت کرده بودند. آنها در حدود ساعت ۲۱ روبره لانه جاسوسی آوردند و نزدیک نیمه شب، دیگر سیل شده بودند، سیلی که گویی ایستادنی نبود. آنها می آمدند و می رفتند، می رفتند و می آمدند،

براسم شب احیاء: بهمان یگری ای بارزه آمریکا

مرگ بر آمریکا ی جنایتکار،

و این فریاد خلقی بود که با رد دیگر در برلانه جاسوسی آمریکا در ایران آمده بود، تا میثاق خود را بر سرای رزه با امپریالیسم آمریکا تکرار و حکم ترکند. مردم آمده بودند تا برغم و مثرها فاصله، با دانشجویان مبارز ان، که هم اکنون در آمریکا در بندند، ادهمبشتی سدهند و خشم خود را نسبت عمل فاشیستی امپریالیسم آمریکا ش جهانیان، چه بخوانند، چه همد، برسانند. بمعیت سیلی بوده که می آ مدوبا هریورش

اعلامیه کمیته مرکزی

بقیه از صفحه ۱

مواضع، پاسخ اصولی و منطقی مارا با سبلی از اتهامات و ناسزا پاسخ گفتند و در جریان و روند مبارزه، اعلامیه‌ها و نوشته‌های افشاگرانه ما را باره میکردند و افراد صادق حزبی را مورد حمله و ضرب و شتم قرار می‌دادند غافل از اینکه این اعمال غیر اصولی و ناجوانمردانه تنها مارا از راه اصولی حزبمان باز نمی‌دارد، بلکه مارا مصمتر خواهد کرد.

طرح چنین پیشنهاداتی نه‌به‌منظور خدمت به وحدت حزب و پیشبرد مبارزات خلق کرد است، بلکه تاکتیکی است عوام‌فریبانه جهت پرده‌پوشی اعمال انحرافی خود، تاکتیکی است به منظور ادامه چاق‌داری و ایجاد جو خفقان، زیرا مشهور است که: دزد بار بار آشفته می‌خواهد.

ماضین ادامه راه اصولی حزب محبوبان، از تمامی اعضا و هواداران و پیشمرگان صادق حزب و خلق کرد می‌خواهیم که تحت تاثیر این چنین اعمال عوام‌فریبانه منحرفین قرار نگیرند و با طرد منحرفین به انقلاب ایران و مبارزه حق طلبانه خلق کرد کمک نمایند.

پاسخ اصولی و منطقی مابه پیشنهاد تاکتیک مآبانه‌شان بدین شرح است:

"ما پیروان کنگره چهارم بعد از اینکه مشخص گردید که اکثریت رهبری:

اولا: از برنامه مصوب کنگره چهارم حزب مبتنی بر پشتیبانی از انقلاب ایران و راه اصولی مبارزه خلق کرد منحرف گشته‌است.

ثانیا: زمانیکه ارتباط با رژیم فاشیستی بعث عراق بدون اطلاع ما داشت بالا میگرفت و حزب رابه آلت دستی علیه انقلاب و نیروهای ایوب‌سیون عراقی تبدیل میکرد.

ثالثا: زمانیکه در صفوف حزب عناصر وابسته و مشکوک و افسران ضدانقلابی مشهود میگردید وجهت طرد آنها هیچ اقدامی صورت نمی‌گرفت.

رابعا: زمانیکه با انحراف از مضمون سنتی حزب "کردستان" کم کم به پایگاهی علیه انقلاب ایران تبدیل می‌گردید و منحرفین نه تنها هیچ اقدامی علیه ضدانقلابیون نمی‌نمودند، بلکه در بعضی موارد با آنها همکاری می‌کردند.

بعد از مبارزات پیگیرانه درون حزبی جهت افشا و طرد منحرفین و بازگرداندن حزب از انحرافات، اقدام به اعلام مواضع مبتنی بر مضمون مصوب کنگره چهارم حزب نمودیم و اکنون که دوشادوش اعضا و کادرهای صادق حزبی "پیروان کنگره چهارم" راهمان را ادامه خواهیم داد، هیچگونه دلایلی برای بازگشت از راه اصولی خود

و همکاری با منحرفین نمی‌بینیم و زمانی حاضر به همکاری با باقی اعضا منحرف نشده کمیته مرکزی هستیم که:

۱- به انحرافات اکثریت رهبری حزب بویژه دفتر به اصطلاح سیاسی و دبیرکل اعتراف نماید.

۲- اقدام فوری جهت طرد منحرفین، که حزب رابه انحراف و وابستگی کشانده‌اند.

۳- اقدام جهت پاکسازی حزب از عناصر وابسته و افسران ضدانقلابی و مرتجعین، که به داخل صفوف حزب رخنه کرده‌اند.

۴- مبارزه عملی و پیگیر علیه نیروهای ضدانقلابی ایادی سرسپرده به امپریالیسم آمریکا و بعث عراق.

در صورت قبول شرایط فوق حاضرم با اعضا صادق منحرف نشده حزبی جهت طرد هرگونه انحرافات وابستگی مبارزه خود را ادامه دهیم.

در غیر این صورت پیشنهاد می‌نمایم که در نشست مشترک با شرکت نمایندگان اقشار مختلف مردم و افشاکاری و طرد سران انحراف بپردازیم."

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران
پیرو کنگره چهارم
۵۹/۵/۸

بند کشیده‌است، باردیگر از زبان امام خمینی به منابه عمده‌ترین دشمن انقلاب ما و مردم ما به جهانیان شناسانده شده‌است. اگر هنوز کسانی نخواهند ماهیت امپریالیسم آمریکا را بشناسند، از آن طفره روند و دشمنان خیالی را برجای آن بشناسند، این دیگر ناشی از جهل آنان نیست، برخاسته از قصد آنهاست، قصد آنان به تیره امپریالیسم آمریکا و گشودن راه برای این دشمن شماره یک انقلاب ما.

سخنان امام نه تنها فراخوان مجددی است برای مبارزه متحد مردم علیه امپریالیسم آمریکا، بلکه رهنمود ارزنده‌ای است برای همه مسئولان مملکتی و همه نهادهای جمهوری اسلامی ایران، تا تمام تلاش خود را برای نبرد با این دشمن اصلی متمرکز سازند. رئیس جمهور، دولت که بر سر کار خواهد آمد و مجلس شورای اسلامی همه و همه باید فعالیت خود را در درجه اول حول شعار دشمن اصلی ما آمریکا متمرکز بخشند، تا مواضع آمریکا در سیاست و اقتصاد و فرهنگ کشور درهم کوبیده شود. قوانین باید چنان تدوین شوند که سدی سدید در برابر رخنه مجدد امپریالیسم آمریکا باشند. سیاستهای دولت آینده چنان تنظیم شود که استقلال و حاکمیت ایران را در برابر این گرگ جهان‌خوار تضمین کند.

تداوم انقلاب به معنای نبرد با امپریالیسم آمریکاست. روزی که امپریالیسم آمریکا را از پیروزی در این نبرد نومید سازیم، انقلاب رانجات داده‌ایم.

که از انقلاب گذشته یک میلیون نفر افغانی در مبارزه علیه بیسواد، سواد آموخته‌اند. عده دانش آموزان مدارس ابتدائی و متوسطه اکنون دوبرابر بیش از قبل از انقلاب است، در این مدت هشتصد مدرسه جدید در درون ترین نقاط کشور ساخته شده‌است. بویژه به دهکده‌های الویت داده شده‌است.

با نورا تب ز داخا طرف نشان ساخت که این کامیابی‌ها علیرغم دسایس فئودالها و ضد انقلاب بدست آمده، که با آتش زدن مدارس و کشتن معلمان، جنايتکارانه می‌کوشند جلواين فعاليتهاي پرثمر دولت انقلابی را بگیرند.

خونتهای بولیوی به پیگردر هیران "جبهه متحد دمکراتیک خلق" دست زده‌است

خونتهای نظامی بولیوی پیگردو سیع رهبران "جبهه متحد دمکراتیک خلق" را که، از جمله سازمانهای چپ و "حزب کمونیست بولیوی" را در بر میگیرد، آغاز کرده‌است. تا مردهای "جبهه" در انتخابات اخیر اکثریت آراء را بدست آوردند. سندیکاها و "کنفدراسیون دانشگاهیان" بولیوی، که اکنون مبارزه خود را در شرایط مخفی ادامه میدهند، آمادگی خود را برای پشتیبانی از دولتی خلقی به رهبری "جبهه متحد دمکراتیک خلق" اعلام کرده‌اند.

حمله هواپیماهای اسرائیلی به جنوب لبنان اسرائیلیها و تجزیه طلبان لبنانی با رد دیگر چندین آبدی واردوگاه فلسطینی را در جنوب لبنان زیر شلیک توپ قرار دادند. هواپیماهای اسرائیلی نیز در این حملات شرکت داشتند. چنانکه گزارش میرسد، چندین غیرنظامی کشته و معذور شدند و خسارت های مالی فراوانی نیز پدید آمده‌است.

نشوفا شیت های ایتالیا مسیب بمب گذاری بولونی بودند

نخست وزیر ایتالیا، کوسیگا، نشوفا شیت ها را متهم کرده است که روز شنبه گذشته، با انفجار بمب در ایستگاه راه آهن بولونی، مسبب قتل ۷۶ نفر و جراحت بیش از ۲۵۰ تن شدند.

وی در بحثی در سنای ایتالیا درباره تروریسم، موج کنونی تروریسم را به جنایات هیتلری تشبیه کرد. پیروزی میلیونها ایتالیایی، در ظاهرات و اعتصابات اعتراضی علیه خشونت های تروریستی را ستکریان شرکت جستند. یکی از نمایندگان حزب کمونیست ایتالیا در پارلمان آن کشور گفت که "بمب گذاری بولونی بخشی از نقشه ای جنایتکارانه برای تخریب دمکراسی در ایتالیا است."

همه فریادها بر سر امپریالیسم آمریکا

بقیه از صفحه ۱

پیروزی می‌رفت تا یک رژیم جبار و سرسپرده را به گور بسپارد، امپریالیسم آمریکا که رژیم پاسدار منافع خود را در خطر دید، هزاران طرح ریخت و نقشه کشید تا رژیم محمدرضای معذور را از خطر سرنگونی برهاند، و چون این اقدامات کارگر نیفتاد

یکی دیگر از مهره‌های خود یعنی سایور بختیار را از لبنان بیرون کشید و به صحنه فرستاد. اما اسنقامت و قاطعیت امام، مهره تازه را نیز همانند

مهره قدیمی از صحنه خارج کرد. امپریالیسم آمریکا کوشید به کمک کارگزاران دیگر خود نظیر امیرانتظام

ها، مراغه‌ای‌ها، نرینه‌ها و علوی‌ها، که در دولت مواضع مهمی را اشغال کرده بودند، انقلاب را از خط قاطعیت انقلابی منحرف سازد و به راه آشتی و سازش بکشاند. تصرف جاسوخانه از سوی دانشجویان مسلمان بی‌روخت امام و دست یافتن به استاد جاسوسی باصطلاح سفارتخانه آمریکا، دست این گروه از کارگزاران امپریالیسم را نیز رو کرد.

از آن پس با آنکه امپریالیسم آمریکا سلاح تزویر و فریب را به کار نیاورد، ولی با پیگیری، تصمیم به سرکوب انقلاب و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران گرفت. توطئه‌های طبعی و ۱۸ تیر نجلی این تلاش شیطانی امپریالیسم آمریکا بود، که به برکت هشیاری مردم عقیم ماند.

امپریالیسم سياهکار آمریکا، که در جریان توطئه طبعی قصد درهم کوبیدن تمام مراکز حساس تهران ولو به قیمت جان صدها هزار نفر را داشت، در توطئه ۱۸ تیر چهره‌های درنده تر از خود نشان داد، که در صورت عدم کشف توطئه، حتی از کشتن ۱۰ میلیون نفر زن و مرد و کودک هم دریغ

نداشت، تا انقلاب را به بر قیمت درهم شکند. چنین نظام پلیدی اکنون شرم ندارد که از زبان اعضا کنگره، خود را جزو "طل آزاد" به حساب آورد، و وانمود کند که از غم حفظ صلح جهان خواب ندارد!

امپریالیسم آمریکا، این شیطان مفسده‌جو و این جلاد خلفا، که هم اکنون دختران و پسران مبارز ایران را بگناه پشتیبانی از رژیم جمهوری اسلامی ایران در زندانها و شکنجه‌گاههای خود به



برونف و چاوشکوی:

با یددفاع ارتش زداپی بین المللی را

ادامه داد

لئونید برنوف و نیکولای چاوشکوی، رهبران شوروی و رومانی، در دیداری در کریمه، مناسبات میان دو کشور و مسایل بین المللی را بررسی کردند. آنها با طرف نشان ساختند که "مناسبات میان دو کشور در پیساری از زمینه‌ها مستحکم‌تر گشته است" و خواهان همکاری بیشتر در گستره مناسبات انرژی، مهندسی، الکترونیک و غیره شدند.

لئونید برنوف و نیکولای چاوشکوی "عزم خود را مبنی بر ادامه دفاع از تنش زداپی بین المللی، مذاکرات سیاسی میان کشورهای دارای نظام‌های اجتماعی گوناگون، صلح و حقوق استقلال طلبانه خلقهای جهان" اعلام داشتند.

کامیابیهای آموزشی افغانستان علیرغم

دسایس ضد انقلاب

با نواتا هیتا راتب زاد، عضد فتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و وزیر آموزش و پرورش دولت انقلابی (که حدود یک هفته پیش خبرگزاریهای امپریالیستی معلوم الحال - بدروغ هم‌اندسایرا خرافاتشان - خبر کشته شدن او را در وسط کا بیل داده بودند) دیروز در یک محاسبه مطبوعاتی اعلام کرد که علیرغم مشکلات فراوانی که ضد انقلاب ایجاد می‌کند، دولت انقلابی به آموزش و پرورش توجه مخصوصی مبذول میدارد و گسترش آن را یکی از راههای مهم علیه بر عقب ماندگی می‌شمرد.

با نواتا هیتا راتب زاد گفت: در مدتی

اخبار کاملاً موثق...

بقیه از صفحه ۱

جهت آموزش اعزام شده‌اند، تا پس از تعلیمات به ایران فرستاده شوند و در ایران به "مجاهدین اسلامی افغانی" که در اردوگاههای ایرانی، که در مشهد، بیرجند، علی‌آباد، تربت جام و تربت حیدریه و زاهدان واقع شده‌اند، پیوسته و از این اردوگاهها برای "سیا" اطلاعات جمع آوری کنند.

یکی از مشاورین آمریکا که مریخی تعلیماتی اردوگاه است، ضمن صحبت با این افراد، با لحن مسخره‌ای به آنها گفته است:

"علاوه بر بولی که از مادر یافت می‌دارید، با دانش هگفتنی نیساز (؟) خواهید گرفت و او شما را با اسلحه و مواد منفجره تامین خواهد کرد."

۲- غیر از کمکهای نقدی و مادی کشورها و اروپای غربی به گروههای شورشی افغانی، اخیراً عربستان سعودی ۵۰ میلیون دلار به این گروهها کمک کرده است.

۳- در نزدیکی شهر مونیخ در آلمان غربی، در شهر گامیش پارتن کیرشن، یک اردوگاه تعلیماتی از ضد انقلابیون ایرانی بوجود آمده، که هم اکنون در حدود ۲۵۰ نفر از افراد ضد انقلابی، زیر نظر مربیان متخصص آمریکایی، تعلیمات خرابکاری و عملیات تروریستی را فرا می‌گیرند.

۴- در آلمان غربی، یک گروه ضد انقلابی که با سازمان امنیت آلمان غربی و "سیا" و انتلیجنت سرویس ارتباط مستقیم دارد، تشکیل شده است. رهبری این گروه به دکتر چاوشکوی، عالمی، حسین یزدی و علی قاضی (سرکنسول ایران در برلین غربی در روزنامه مخلوع)، است. این گروه برای اردوگاه گامیش، از میان ضد انقلابیون ایرانی سرپا زگیری می‌کند.

۵- اخیراً در برلین غربی، جلسه‌ای با شرکت ۳۰ تن از ساواکیها از جمله دکتر چاوشکوی و حسین یزدی تشکیل شده، که در آن چگونگی تشدید تبلیغ و توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران مورد بحث قرار گرفته است.

۶- اخیراً عده‌ای از دانشجویان ایرانی مقیم آلمان غربی برای ملاقات با یخسار به پاریس برده شده‌اند.

ما توجه جدی و فوری مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران را به این اخبار که حکایت از فعالیت گسترده و تب‌آلود ضد انقلاب، زیر رهبری آمریکا، دارد، جلب می‌کنیم.

زمینه رفع اختلافات بین انقلابیون فراهم تر می‌شود، هم امکان عمل سازنده به سود مردم.

بیدار باشیم! در انقلاب‌ها با دقیقه و ساعت حساب می‌کنند. یک مرتبه می‌بینید که یک ساعت دیگر دیر است.

حرکت بر دویا

تاکتیک کلاسیک ضد انقلابی امپریالیسم

روشن است، تنها عمل متقابل ضرور است

این اصطلاح "حرکت بر دویا" را مرحوم ما نو (که این روزها جانشینان چینی اش در افشااش کوشا هستند!) دوست داشت. با استفاده از این اصطلاح می‌توان گفت که سرمایه‌داری بین المللی و بر راس آن، امپریالیسم آمریکا، در ایران از تاکتیک "حرکت بر دویا" استفاده می‌کند: یک پای راست به نام لیبرالیسم و یک پای "چپ" بنام ماوئیسم. لیبرال‌ها و ماوئیست‌ها خود را به عنوان اجزاء و اعضا انقلاب ایران جا زدند. لیبرال‌ها هنوز در دستگاه اجرایی، قضایی و قانون‌گذاری کشور ما نفوذ بزرگی دارند. جمعی از سرکردگان لیبرال مانند نرینه، مقدم مراغی، متین دفتری و امثال آنان مدت‌هاست در صحنه مرکزی نیستند و یسا آشکارا به ضد انقلاب پیوسته‌اند. ولی برخی دیگر، با آنکه ککلی به حاشیه رانده شده‌اند، تشریف دارند و در رسانه‌های گروهی و مطبوعات هرچندی یکبار به میدان می‌آیند.

ماوئیست‌ها، به شکل علنی و مستقیم در گروهک‌های "چپ" و به شکل مستور و سالوسانه در ارگان‌های اسلامی میدان‌داری می‌کنند. با آنکه نفوذ آن‌ها در جامعه نزدیک به صفر است، ولی نفوذ آن‌ها در رادیو و تلویزیون و مطبوعات کثیر-الانتشار قابل ملاحظه است (؟!) به قول شاعر

"از حلب تا کاشغر میدان سلطان سنجراست." از کومه تا روزنامه "انقلاب اسلامی" و "کیهان" و

غیره، "نویسندگان" ماوئیست زهر ضدتوده‌ای و ضدشوروی و ضدافغانی خود را سیل‌آسا می‌ریزند و مشغول لیل زبانی هستند. برخی از آن‌ها را نامه "سرد" اخیراً در ستون‌های خود معرفی کرده‌است.

تصور امپریالیسم آنست که به کمک لیبرال‌ها و ماوئیست‌ها یا انقلاب ایران را در جهت تمایل خود منحرف کند، یا اگر نتوانست به این هدف برسد، آن را با شکست مواجه سازد و تحویل

اوپسی‌ها و پالیزبان‌ها و امثال محقق‌ها و مهدیون‌ها بدهد.

مگر آقای فری رئیس حزب "دمکرات مسیحی" شیلی، آزادی‌خواه ضد فاشیست معروف (!) همین کار را نکرد و رژیم آلینده را به جلاد شیلی پی‌نوشه تحویل نداد و خود به تنه مهاجرت نخرید؟

مگر دکتر مظفر بنایی با همین شیوه‌ها جاداب کوب کودتای محمدرضا پهلوی و زاهدی در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نشد و خود به "پارتی کشک و بادمجان" بنه نبرد، تا فاتحان امپریالیستی در موسسه "ساواک" هزاران نفر را باخفت و خواری تمام زجر کش کنند؟

بالاخره باقی‌های کنونی نیز می‌توانند جای راحتی در گوشه‌ای پیدا کنند و بگذارند که اوپسی‌ها و پالیزبان‌ها، چنان که آرزو دارند، از "نهران تا شهد" تنش آخوند و توده‌های آویزان کنند.

لیبرال‌ها و ماوئیست‌ها، هر کدام با "استدلالات" خاص خود در تدارک همین منظره‌اند. اگر موفق نشوند، آن دیگر نتیجه هشیاری و آمادگی و اتحاد مردم ایران خواهد بود. آن دیگر نمره قاطعیت و بصیرت رهبری انقلاب خواهد بود.

آری، امپریالیسم در درون عرصه انقلاب ایران با دو پا حرکت می‌کند، ولی دو پای دیگرش در بی صحنه، در بیرون عرصه است. این دو پای بیرون صحنه عبارت است از "سوسیال‌دمکراسی شاهپور بختیار" و "فاشیسم نظامی اوپسی-پالیزبان"، آن

آقایان هم سخت مسئولند تا نقشه شکست خورده محقق نشود. مهدیون را از جای دیگر، به شکل دیگر، تجدید کنند و در کشور ما حمام‌های خون راه بیندازند. نیروهای کشف نشده آن آقایان نیز در ارتش و خارج از ارتش کم نیست. بدین ترتیب تاکتیک امپریالیسم عبارت است از تخریب از درون و تخریب از بیرون، و این تاکتیک هم تاکتیک شناخته شده‌ایست.

چهارپای امپریالیستی می‌خواهد سقایق‌زار انقلاب بزرگ مردم ما را به این ترتیب لگدمال کند و آن را بی‌رحمانه از بین ببرد.

هر عقل سلیمی حکم می‌کند که گوش این چهار پای متجاوز و خون‌خوار و مودی گرفته نشود و از مزعه انقلاب ایران رانده شود. در این کار کمترین درنگ و غفلت روا نیست.

پاک‌سازی به معنای وسیع این کلمه عبارتست از رها ساختن انقلاب ایران از خدعه لیبرال‌ها، از فتنه ماوئیست‌ها و "چپ آمریکایی"، از توطئه عمال رژیم سابق و ماموران سیا و ساواک و ماساد، که شب و روز مشغول کارند، در آن صورت، هم

پاک‌سازی به معنای وسیع این کلمه عبارتست از رها ساختن انقلاب ایران از خدعه لیبرال‌ها، از فتنه ماوئیست‌ها و "چپ آمریکایی"، از توطئه عمال رژیم سابق و ماموران سیا و ساواک و ماساد، که شب و روز مشغول کارند، در آن صورت، هم

اعترافات صادقانه مهندس بازرگان

که:
چو کردی با کلخ انداز بیگار / حذر کن کاندرا آماجی سستی
(سعر در نامه) مهندس بازرگان به همین صورت غلط جاب
سده است، ولی به هرحال منظور مهندس بازرگان روشن
است که می‌خواهند بگویند، این ما هستیم که به سوسی
امریالیسم آمریکا تیر انداختیم و حالا باید قصاصی پس
بدهیم!

و اما صداقت مهندس بازرگان در اظهار عقیده قابل
ستائنی است. به عقیده ایشان، ماباستی پس از انقلاب،
حیایات امریالیسم آمریکا را فراموش می‌کردیم، در
الجزیره با نمایندگان امریالیسم آمریکا به زد و بند
می‌نستیم، لانه جاسوسی را اختال نمی‌کردیم، قبول
می‌کردیم که کارتر بشیمان شده است و ...

اگر امروز واقعه طبری روی می‌دهد، نوظنه‌ها یکی پس
از دیگری فاش می‌شود و در تمام این نوظنه‌ها نیز دست
امریالیسم آمریکا بیداست، گناهکار ما هستیم که ابتدا
"کلخ" انداختیم. امریالیسم آمریکا طی مدت ۲۵ سال
پس از کودتای خود علیه دولت ملی و قانونی دکتر مصدق
و برای سرکوب جنبش ملی ایران، ما را کل باران می‌کرده
است و ما پس از انقلاب بیست و نه سال پس از آن، بی‌بند
و بستم چه عیبی می‌بیند: "جبا" را نوظنه می‌کند که
"نوظنه‌های فرضی امریالیسم آمریکا را که برای آنها
اصالت دارد و دشمن شماره یک مکتبی‌شان می‌باشد، پیش
می‌کشند" و امریالیسم آمریکا را نیز می‌کند که "کلخ"
انداز" ما بوده‌ایم و او در برابر عمل ما عکس‌العمل کرده
است!

مهندس بازرگان، چنان‌که از نامه او مشهود است،
درک نمی‌کند که انقلاب هم مانند هر پدیده اجتماعی
دیگری قوانین خفیه‌ناپذیر دارد. آن کس که نتوانسته
است با به پای این انقلاب پیش بیاید، او و هم‌فکرانش
بوده‌اند که بخشی از وزیران کابینه‌اش ناخشنودی چون
امیرانظام، نریه، مقدم مراغی را در برمی‌گیرد. هر قدر
انقلاب عمیق‌تر شود، چهره رفیقان بنیست راه انقلاب
آشکارتر می‌شود. نیروهای انقلابی مسلمان (و نه لیبرال
های مسلمان) تحت‌تأثیر "مارکسیسم" قرار بگیرند و یا
نگیرند، مواضعشان در مسائل اصلی انقلاب با مواضع
لیبرال‌ها و ملی‌گرایان ناگزیر تفاوت اصولی خواهد داشت.
رحمت‌کنان از انقلاب نتایج محسوس می‌خواهند و این
نیروهای انقلابی مسلمان، اگر سخن‌گو و مدافع منافع آنان
نستوند، ناگزیر پشتیبانی نوده‌ها را از دست می‌دهند.
شما به دلیل همین عقایدتان، که "نیوهای تدریجی"

را شیوه اصلی کار در دوران انقلاب تصور می‌کردید، و
می‌کنید، نتوانستید گامی در جهت تحقق خواسته‌های مردم
و اهداف انقلاب بردارید. "نیو" تدریجی "شما از آنجا
ناسی می‌شد که نمی‌خواستید به منافع اساسی سرمایه‌داران
و زمین‌داران بزرگ لحظه بزنید. در صورتی که نخستین
وظیفه یک دولت انقلابی سلب قدرت سیاسی و اقتصادی
از عوامل و عناصری است که رژیم پیشین سرنگون شده را
سربا نگاه داشته بودند. شما می‌خواستید ارتش سابق را با
همان ترکیب به خدمت "اسلام" درآوردید. درحالی‌که کشف
همین نوظنه‌های اخیر نشان داد که این فکر ناچه اندازه
برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خطرناک بود و هست.
استهانه شما و هم‌فکرانان در آن بود و هست که انقلاب
ایران را درست نشناختید. میلیون‌ها مردم به خیابان‌ها
نمی‌روید، ده‌ها هزار کشته و زخمی نمی‌دهند، که سرمایه
داران و زمین‌داران بزرگ را دورباره به نام "اسلام" به
حکومت بربانند.

استهانه شما البته ناشی از خلعت طبقاتی شما بود و
نامه، شما یک اعتراف صادقانه در این باره، که آنچه در
نظر شما نبوده و نیست منافع نوده‌های رحمت‌کنان است. در
براسر نامه، شما یکبار هم شده به واژه‌های "سخت‌گیران"،
"رحمت‌کنان"، "مستضعفان" و یا نظایر آن برخورد نمی-
کنید. چه کسی می‌توانست حدس بزند که شما هنگامی که
در راس یک حکومت انقلابی قرار می‌گیرید، نا این اندازه
دور از مردم باشید!

این انقلاب ضد امریالیستی، به ویژه ضد امریالیسم
امریکا بود و شما به ویژه می‌گویند امریکا را از زیر صریح
انقلاب خارج کنید. انقلاب خواهان پیروزی مستضعفین
بر مستکبرین بود و شما بی‌تفاوت به این مبارزه، نا جایی که
هواداران مستضعفین در بین گروه‌های اسلامی را هم متاثر
از "مارکسیسم" می‌دانید!

وای که انقلاب ایران با گذاردن شما به نخست‌وزیری
دولت موقت چه اشتباه بزرگی در برابر تاریخ مرتکب شده
است. ولی خودتان هم می‌دانید که امام در برگزیدن شما
به نخست‌وزیری دولت موقت چه مصالحی را در نظر داشت
و اکنون که چنین قاطعانه آن اقدام را اشتباه می‌نامد، چه
مصالحی را در نظر می‌گیرد.

سخن امام از جان نوده‌ها برمی‌خیزد، نوده‌هایی که
شما در زمان نخست‌وزیری خودتان یک لحظه هم به فکر
آن‌ها نبودید و از زبان بی‌وزاری لیبرال گفتید که: به
سه بار ندمار از انقلاب بشیمان شده‌اید.

اما مردم از انقلاب بشیمان نشده‌اند و انقلاب ایران
برخلاف پیش‌بینی کسانی که "کلخ‌اندازی" ما را به سوی
امریکا "نادانی" می‌دانند، بی‌تردید در اثر مبارزه ضد
امریالیستی همین مردم، به رهبری قاطع امام به پیروزی
قطعی و نهایی خواهد رسید.

نامه سرکشاده، مهندس بازرگان به امام خمینی اعترافی
سگنده درباره عملکرد دولت موقت و سیاست کام به کام
است. مهندس بازرگان در این نامه اعتراف می‌کند که در
همان ابتدا "معتقد به شیوه‌های تدریجی" بسوده است و
اعضای شورای انقلاب با "علم و قبول رویه‌ی کسه او در
گذشته داشته و در آینده تغییر نخواهد داد" او را به
نخست‌وزیری دولت انقلاب برگزیده‌اند. مهندس بازرگان
می‌نویسد:

"چیزی که (در آغاز کار برای دولت موقت) مطرح نبود
و ضرورت و فوریتی برای آن احساس نمی‌شد، انقلابی عمل
کردن به مفهوم ضربت و خشونت و شدت بود ... پس از
پیروزی شاه و کونا کردن دست ابرق‌دتها از سر دولت،
نیازی به دست‌یافتنی و آشفته‌ی نبود و سازندگی با آشفته‌ی
و خصومت سازکاری نداشت."

مهندس بازرگان "دلخور" است که یکی دو ماه پس از
انقلاب "علل و عواملی روی داد که مخالف رویه نسوق
(شیوه‌های تدریجی) و مانع اجرای برنامه‌های دولت شدند
و عوامل و عللی پیش‌آمد که ملت و انقلاب را در مسیر
دیگری انداخت."

مهندس بازرگان افساد و مخالفت کسانی را که
"ایدئولوژی‌شان تکیه بر تخاص و تعرض و تخریب دارد و
کینه و بدگمانی و انتقام‌گراچ بازرگان می‌باشد"
(مقصود آقای بازرگان نیروهای حب است) در صدر این
علل و عوامل ذکر می‌کند و می‌افزاید: "جاهدین خلق نیز
در این رهگذار هاشم‌گشتی نشان می‌دادند"، مهندس بازرگان ن
می‌نویسد:

"... چیزی که باعث تعجب و تاسف (مهندس بازرگان)
شد این‌که بعضی از گروه‌های انقلابی و مسلمان نیز دانسته
یا ندانسته تحت‌تأثیر گروه‌های چپ قرار گرفتند. این
آقایان برای آن‌که در رهبری قشرها عقب نیفتند و بعضی از
نیروهای جوان را که همیشه و هم‌جا در شجاع جدیدهای
مارکسیسم قرار داشت، عاقل داهی و تیزی با شدت و
قاطعیت و به اصطلاح انقلابی هستند از چنگ چپ‌ها گرفتند
به طرف انقلاب (یا حزب) بکشانند، تندتر از آنها (چپ‌ها)
خواستند و بلندتر از آنها فریاد زدند، ایجاد اشتباهی
کاذب در طبقات محروم کردند و اشتقام‌جویی و تجاوزگری
را در ادوات و کارخانجات و دهات دامن می‌زدند."
"ایجاد اشتباهی کاذب در طبقات محروم" - این است
آچه در شیوه عمل گروه‌های انقلابی و مسلمان موجب
"تعجب و تاسف" مهندس بازرگان شده است.

"گاه" نیروهای حب از این هم بیشتر است. آنها
عجله دانسته که با تحریک مردم برای تحقق قوری خواسته‌ها
"با عنوان کردن لغو قراردادهای وابستگی‌ها و با پرتاب
شیرهای ثبوت و تضعیف برای متصدیان و مأمورین دولت را
به کارهای دفاعی و منفی مشغول سازند، احیاء و اصلاح
ارتش و نیروهای انتظامی را مانع شوند و از به راه افتادن
چرخ‌های اقتصاد و اداره مملکت جلوگیری نمایند ... و
نوظنه‌های فرضی امریالیسم آمریکا را که برای آنها (چپ‌ها)
اصالت دارد و دشمن شماره یک مکتبی‌شان می‌باشند،
پیش می‌کشند." (به کلمه "فرضی" که یک دنیا معنی در
آن نهفته است، توجه کنید!)

مهندس بازرگان در نامه، خود "علل و عوامل نوع
دوم" را نیز شرح می‌دهد، که بررسی آن را به مقاله
دیگری موکول می‌کنیم.

ببینیم از آنچه که مهندس بازرگان با جملات فوق در
نامه، خود مطرح کرده است، چه می‌توان استنباط نمود.

نخست می‌خواهم یادآور شوم که اعترافات مهندس
بازرگان در این نامه صادقانه است و خود را مخفی نمی‌کند
و به همین دلیل ما از خلال سطور این نامه، چهره یک
بورژوا لیبرال اصیل را، که به اصول ایدئولوژی، سیاست و
روس خود عمیقاً اعتقاد دارد، مشاهده می‌کنیم. او معتقد
است که "پس از پیروزی شاه" انقلاب نابان یافته و
"ضرورت و فوریتی برای انقلابی عمل کردن به مفهوم ضربت
و خشونت و شدت وجود نداشته است. شیوه سازندگی باید
"نیو" تدریجی باشد، یعنی باید از ادارات و نیروهای
انتظامی موجود، البته بدون آنکه آنها را زیر "ضربست و
خشونت و شدت" قرار داد، برای "سازندگی کشور"
استفاده شود و این "جبهی‌ها" و در درجه اول نوده‌های
هستند که با ایدئولوژی "تخاص و تعرض خود"، تمام نیرو-
های انقلابی دیگر، از جمله مسلمانان انقلابی را به دنبال
خود کشانده و به قیام علیه حکومت ایشان برانگیخته‌اند!
ولی واقعیت اینست که میلیون‌ها مردمی که به خیابان‌ها
آمدند، ده‌ها هزار شهید دادند و انقلاب سکوهستنا را به
پیروزی رساندند، برای این نبود که زمام امور کشور را به
دست دولتی بسارند که با "شیوه‌های تدریجی" خود
انقلاب را به کردایی هولناک بکشاند، که امید براندازی
جنبه‌وری اسلامی ایران را در دل ضد انقلاب داخلی و
حامیان آمریکایی آن برانگیزد. انداختن تدابیر انقلابی
برای نیل به اهداف ضد امریالیستی، دم‌گرا نیک و خلقی
انقلاب خواست مردم بود و هست، و نه "تحریک" جبهی
ها" و نوده‌های و مسلمانان انقلابی.

مهندس بازرگان در بخش دوم نامه، خود که به "علل
و عوامل نوع دوم" اشاره می‌کند، می‌نویسد:

"وقتی با جسارت و حدت بی‌پایه پنجه در پنجه
ایرقدت‌ری چون آمریکا اندازیم، چرا نباید لاف‌ل قسمت
عمده سایل و مناسب را ناشی از این جهات و اقدامات
دانست." و شعر سعدی را نیز در نایب گفته خود می‌آورد



محسن مردم در مسجد امام حسین به حمایت از
مبارزان دانشجوی ایرانی در آمریکا همچنان ادامه دارد.

در اجتماع منحصرن در مسجد امام حسین:

میزان ایمان، میزان نفرت به آمریکاست

امریالیسم آمریکا بار دیگر چهره کثیف و ضد مردمی
خویش را به نمایش گذارد و مزدورانش را به جان جوانان
فهریان ایران که فریاد خود را علیه جنایت‌های یکی از
خون‌آسم‌ترین رژیم‌های غارت‌گر دنیا سر داده بودند،
انداخت و با وحشی‌گری و قساوتی بی‌مانند آنان را مورد
ضرب و شتم قرار داد و زندان‌های خود را از این مبارزان
بر کرد. دانشجویان انجمن‌های اسلامی جرستان تنها این
بود که نوظنه‌ها و جنایات امریالیسم آمریکا را علیه انقلاب
ضد امریالیستی و خلقی ایران، افشا و محکوم می‌کردند.
جرستان این بود که برده از چهره شوم و مهیب انحصارات
امریالیستی برمی‌داشتند و چهره شیطان بزرگ انقلاب ما
را عریان می‌کردند. و این "جرم" برای سرکوب شدن،
برای شکنجه‌دین و برای در حبس‌ماندن نوظنه‌های ایران
یابگی کافی است. پلیس جنایتکار آمریکا، با یورش سیمانه
به دانشجویان فهروان ایرانی، ماهیت حقوق بشر "کاخ
سفید" را به خوبی به نمایش گذارد و یکبار دیگر ثابت کرد
که امریالیسم آمریکا در مقابله با انقلاب ضد امریالیستی و
خلقی ایران، تنها و تنها به زبان نوظنه، تجاوز و جنایت
سخن می‌گوید و لا غیر.

به دنبال هجوم پلیس آمریکا به دانشجویان و به
زندان انداختن آنان، مردم فهروان ایران بار دیگر فریاد
اعتراض خویش را علیه این جنایات بلند کردند و بسا
نظارات و راه‌پیمایی‌های خود این اعمال‌لید و ضد انسانی
را محکوم کردند. راه‌پیمایی بریکوه مردم به سوی لانه-
جاسوسی آمریکا، که سیدبش انجام گرفت، عزم راسخ
مردم دلیر ایران را در مقابل جنایات امریالیسم آمریکا
به خوبی نشان داد. روز یکشنبه نیز که مصادف با سالروز
شهادت علی‌بی‌طالب امام اول شیعیان بود، اجتماع
باشکوهی از مردم نهران در مقابل مسجد امام حسین واقع
در میدان امام حسین تشکیل شد. این اجتماع به پشتیبانی
از عده‌ای از جوانان مسلمان تهران، که در محل مسجد امام
حسین متحصن هستند، صورت گرفت. این جوانان به
حمایت از دانشجویان ایرانی، که در زنجیر پلیس ددمنش
آمریکا گرفتارند، از چند روز پیش به تحصن نشتانند.
خبرنگار نامه "مردم" در این باره چنین می‌نویسد:

سر در مسجد امام حسین با بلاکادی به مفهوم زیر
پوشانده شده بود:
برای حمایت از دانشجویان زیر شکنجه در آمریکا،
برادران و خواهران مسلمان، در مسجد امام حسین به
تحصن نشتانیم، به ما پیوندید. (اهالی میدان امام
حسین)
از نخستین ساعات صبح یکشنبه، موج جمعیت به سوی
مسجد روان گردید. جمعیتی که می‌رفتند نا بار دیگر پیمان
ببندند که تا پای جان علیه شیطان بزرگ، آمریکای جنایتکار
به مبارزه ادامه دهند. در محوطه مسجد پلاکاردهایی در
محکوم کردن جنایت‌های آمریکا به جسم می‌خورد.
بلاکادی نیز، که حکایت از پشتیبانی دانشجویان مسلمان
بیرو خطا امام، مستقر در لانه جاسوسی آمریکا، از متحصنین
داشت، در محوطه نصب شده بود. مردم با شور و هیجان
شمار می‌دادند:

ای آمریکا، سازش با تو محال است
چون اتحاد امت و امام است
در گوشه‌ای از صحن مسجد، بلاکارد بزرگی با عبارت
"مرگ بر حکومت فاشیستی آمریکا" بر بالای پوستری از امام
خمینی، رهبر انقلاب نصب شده بود. در ساعت ۱۰/۳۰

سخت‌ن این امریالیسم آمریکا را به نمایش گذاشتند و به

سخت‌ن این امریالیسم آمریکا را به نمایش گذاشتند و به

سخت‌ن این امریالیسم آمریکا را به نمایش گذاشتند و به

سخت‌ن این امریالیسم آمریکا را به نمایش گذاشتند و به

سخت‌ن این امریالیسم آمریکا را به نمایش گذاشتند و به

سخت‌ن این امریالیسم آمریکا را به نمایش گذاشتند و به

سخت‌ن این امریالیسم آمریکا را به نمایش گذاشتند و به

سخت‌ن این امریالیسم آمریکا را به نمایش گذاشتند و به

سخت‌ن این امریالیسم آمریکا را به نمایش گذاشتند و به

سخت‌ن این امریالیسم آمریکا را به نمایش گذاشتند و به

سخت‌ن این امریالیسم آمریکا را به نمایش گذاشتند و به

کمک‌های بی‌شائبه آلمان دموکراتیک به خلق‌های
آسیا، آفریقا و امریکای لاتین

مارک در اختیار خلق قهرمان ویتنام قرار گرفت.
از این کمک‌ها در بازسازی شهر هویه، نوسازی بیمارستان
دولتی در هانوی و آموزش کارشناسان بهداشتی ویتنامی در
جمهوری دموکراتیک آلمان استفاده شد.

تاکنون بیش از شش‌هزار جوان ویتنامی آموزش‌های
فنی را در جمهوری دموکراتیک آلمان به پایان رسانده و برای
خدمت به کشور خود بازگشته‌اند. هم‌اکنون حدود چهارصد جوان
لائوس در جمهوری دموکراتیک آلمان سرگرم آموزش هستند.

جمهوری دموکراتیک آلمان، بر اساس وظایف انترناسیونال-
نالیستی خود هر ساله کمک به خلق‌های آسیا، آفریقا و آمریکای
لاتین را افزایش میدهد. به موجب آماری که در برلین منتشر شده
است جمهوری دموکراتیک آلمان از سال ۱۹۶۰ تاکنون هزار و
چهارصد میلیون مارک کمک‌های مبین همسکین المللی در اختیار
خلق‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین قرار داده است. از جمله
تتها در سال ۱۹۷۹ حدود سیصد میلیون مارک کمک در اختیار این
خلق‌ها قرار گرفته است. در این سال از جمله دویست میلیون

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارت‌گر امپریالیستی
باید لغو شود

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را
از راه مسالمت آمیز، با تأمین
حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

«شاهد» و «خطر کمونیسم»

چنانکه دیدیم، بقای جانیبار و جاسوس "سیا"، اصولا گروه خرابکار و خیانتکار "حزب زحمتکشان" و نیز تشریه خود، "شاهد" رانها به قصد مبارزه با حزب توده ایران و دفاع از منافع غارتگرانه امپریالیسم آمریکا، ایجاد کرده بود، و اصولا جاسوسان آمریکایی، درست به همین منظور این سلف چاقداران امروزی را از نظر مادی و "معنوی"، نامی می کردند.

یکی از مهمترین وسایلی که جاسوسان آمریکایی، برای پیشبرد اهداف خویش از آن بهره می گرفتند، سلاح کهنه، ولی مخرب افسانه "خطر کمونیسم" بود، که به ویژه به وسیله نشریات وابسته ای چون "شاهد"، بایبگیری تمام علیه جنبش ملی ایران به کار می رفت.

"شاهد" و نظایر آن می گویندند تا با بهره گیری از میراث شوم دهه های تسلط امپریالیسم بر کشور و سومانی که از رهگذر تبلیغات دهه ها ساله رژیم دست-نشانده پهلوی علیه کمونیسم، آدهان توده ها و رهبران را آغشته کرده بود، با طرح "خطر غول کمونیسم"، جنبش ملی ایران را به مجرای دلخواه اندازند و آنرا در جهت اهداف امپریالیسم آمریکا سوق دهند.

"شاهد" و نظایر آن، هر قدر که جنبش ملی ایران بیشتر راه به جلو می کشد و تعمیق می گردید، هر قدر که دکتر مصدق و نیروهای صديق درون جبهه ملی، بیشتر به ضرورت قاطعیت در مبارزه خویش علیه منافع غارتگرانه امپریالیسم انگلیس پی می بردند و به درک ماهیت امپریال-لیسم جانیبار آمریکا نزدیک می شدند، بیشتر فریاد وانفاس سر میدادند و از "تسلط کمونیسم" بر کشور سخن می گفتند.

در ماه های که کودتای آمریکایی - درباری ۲۸ مرداد تدارک می شد، در ماه های که امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم انگلیس، علیه دولت ملی دکتر مصدق دست اتحاد به یکدیگر داده و بر سر سرنگون ساختن آن توافق کرده بودند و انواع توطئه ها را علیه آن سازمان میدادند، "شاهد" و نظایر آن بیش از هر زمان در گرنای "خطر کمونیسم"، می دیدند. آنها با این عمل، تلاش می کردند آدهان توده ها و رهبران را از خط واقعی، به جانب کمینکس و درگیری داخلی منحرف سازند، مابین نیروهای ملی و حزب توده ایران، جدایی بیفکنند و زمینه را برای موفقیت توطئه های شوم امپریالیسم آمریکا فراهم سازند.

آنها با این عمل می گویندند که با استفاده از زمینه مساعد طبقاتی جبهه ملی، که نایبگیری در مبارزه ضد امپریالیستی ویژگی آن بود، رهبران ملی را به وحشت بیدار دارند و آنها را گیج سازند، گام های ضد امپریالیستی آنها را درست کنند، آنها را نسبت به حادثه سازی های عمل امپریالیسم علیه حزب توده ایران بی تفاوت نگاه دارند و زمینه های اتحاد را تضعیف کنند. مصدق بعدها یعنی پس از آنکه جنبش ملی ایران با توطئه مشترک امپریالیستها و عمل داخلی آنها درخون طعید، واقعیتهای را که بسیاری آنرا دریافتی بود، چنین توضیح داد:

"کمونیسم را بهانه کرده اند برای اینکه ۴۰ سال دیگر از معادن نفت ما سوء استفاده کنند".

(دفاع دکتر مصدق از نفت در زندان، صفحات ۵۴ و ۱۱)

در حالیکه دکتر مصدق، زمانی که می توانست با فاش شدن دست اتحاد حزب توده ایران، جنبش ملی ایران را به پیش برد و به پیروزی برساند، تبلیغات سوء "شاهد" ها را می پذیرفت، او در ۱۳۲۹ می گفت:

"ایران به چین شبیه تر است. بفرض که (آمریکا) قشون بیش از حریف داشته باشد، چون نمی تواند به ایران قشون بیاورد، فاتح کسی است که هزاران کیلومتر

چسکاسی خنجر خود را پنهان کرده اند؟

امروز خنجر خود را پنهان کرده اند تا بعد

بقای و دیگر عمل امپریالیسم آمریکا در درون جبهه ملی، برای نابود کردن جنبش ملی ایران و ساقط کردن دولت دکتر مصدق، از هیچ توطئه و فریبی رویگردان نبودند و در همان حال حزب توده ایران را، که صدقانه دست اتحادی مصدق دراز کرده بود و این مزدوران را افشا می ساخت، "خائن" و غرض ورز می خواندند.

آیا اکنون نیز عمل امپریالیسم آمریکا در حکومت، که در پیوند با اربابان خویش انواع توطئه ها را علیه انقلاب ایران و رهبری انقلاب سازمان میدهند و هر زمان تقاب از چهره خیانتکار گروهي از آنان دریده میشود، راه "شاهد" ها را نمی روند؟

سخن امیرانتظام، جاسوس سیار بیاد آوریم که می گفت:

حزب توده به موجب قوانین موجود غیر قانونی است و این قوانین لغو نشده اند، باید به آنها عمل کرد.

کارزار ایدئولوژیک و تبلیغاتی امپریالیسم

درس هایی از تاریخ (۵)

توجه کلیه مبارزان ضد امپریالیست، به ویژه مسلمانان صديق ضد امپریالیست را به این سلسله مقالات جلب می کنیم

مرز مسرک دارد... دخالت برخی اژدول در ایران سبب خواهد شد که دیگران هم دخالت کنند و دیکتاتوری سیاه به دیکتاتوری سرخ تبدیل شود. چنانکه چین هم به همین درد دچار شد. (سخنرانی دکتر مصدق در مجلس شورا، اطلاعات، ۶ تیر ۱۳۲۹)

و یاد ترحمین فاطمی، مبارز شهید راه آزادی ایران، در یکی از حساس ترین لحظات تاریخ جنبش ملی ایران، در زمان نخست وزیری عامل سرسپردگی چون علا، در قبال پیشنهاد اتحاد حزب توده ایران برای مقابله با این مزدور، می نوشت:

"توده های ما می خواهند از راه اغتشاش، ماباره هرج و مرج و زوال تاریخ و استقلال بکشاند!"

("باختر امروز"، ۲۷ فروردین ۱۳۳۰)

و "به آنهایی که می گویند اوضاع قابل دوام نیست و این هیات حاکمه، مملکت را به این روز انداخته است،



شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

شاه

مصدق را از فاش شدن دست اتحاد توده های بازدارند. این امر بوضوح کذب تبلیغاتی را که پس از شکست جنبش ملی ایران، توسط "شاهد" های بعدی و تاریخ نویس محمد رضا شاهی، در مورد اینکه "توده های ما به دکتر مصدق خیانت کردند"، "توده های ما خواستار اتحاد با دکتر مصدق نبودند" و یا "از مصدق پشتیبانی نکردند"، نشان میدهد، زیرا در چنین صورتی اصولا اینهمه تلاش برای قانع کردن جبهه ملی و دکتر مصدق در عدم اتحاد با توده های ما و ترساندن آنها از این امر، لازم نمی بود.

ارگان جاسوسان آمریکا در ایران، میگوید: "آیا می توان حزب توده را در نهضت ملی قبول کرد؟" و پاسخ می داد:

"حزب توده و تمام کمینفرمیت ها، در هیچ حقیقت و جبهه و نهضت وارد نشده اند، مگر برای آلت دست کردن آنها و مگر برای شکستن عهد و پیمان با ملت خود و برای خدمت به دولت دیگر!"

("شاهد"، ۲۰ مرداد ۱۳۳۱)

و "افراد بیطرف از کلمه وحدت و اتحاد مسحور می شوند، ولی توجه ندارند که توده های ما، بنام وحدت نقای بین ملتی می اندازند و بنام ائتلاف می خواهند یک جامعه سازنده را به یک عنصر مخرب و خرابکار تبدیل سازند!" (هانجا)

"شاهد"، این کلمات را درست در زمانی می نوشت که مصدق بطور عمده، بواسطه جانبازی و فدakarی توده های ما، که از خون خود خیانتی "سی تی" را رنگین ساختند، بار دیگر موقعیت خود را درست نخست وزیری تثبیت کرده بود، جاسوسان آمریکایی، درست در زمانی مصدق را از اتحاد می ترساندند و بر حدی می داشتند، که توده های ما از اتحاد شهدای خود برای عبور دیگراره او به قدرت پل ساخته بودند.

"شاهد"، روز دیگر ترغیب دیگری ابداع میکرد و این بار مصدق را از خشم "درباریان و بعضی از افسران بی معز" و "آمریکائیان"، می ترساند و به او اخطار می کرد که اگر چنین یک گام به توده های ما، که خواستار اتحاد هستند، نزدیک شود، باید منتظر کودتای آمریکایی ها و درباریان باشد!

"شاهد"، می نوشت:

"ائتلاف جبهه ملی با حزب توده بهترین مشق و

محرك کودتاست، زیرا از تبلیغات گذشته، یکسند زنده بدست درباریان در داخله و آمریکا نشان در خارج داده می شود و به آنها شان داده میشود که ایران با بدست جبهه ملی دارد از دست می رود!"

("شاهد"، ۱۸ مرداد ۱۳۳۱)

و "عوامی که می توانند به انگلیس ها کمک کنند تا بتوانند توطئه ضد مصدق خود را با اینبار به شکل کودتا عملی سازند، ایستگاه اول به نهضتی که قیام سی تی یکی از ظاهر آست، رنگ توده های بریند، نانیا بطور طبیعی و بدون تکلف، این نهضت را صد شخص شاه و سلطنت مشروطه معرفی کنند و شعارهایی از این نوع را شویق و ترویج کنند. سم، به این نهضت یک رنگ صد امریکایی شدید بریند. چهارم افسران را نسبت به این نهضت بدبین و منفرد کنند و با دادن شعارهایی ضد افسران و سوزاندن خشک و تر با هم، کلیه افسران ارتش و شهرانی را نسبت به نهضت بدبین و منفرد سازند. پنجم با بیدار کردن ساده لوحانی که ائتلاف اخلاک و مبارز را امکان پذیر دارند، سندنند و غیر قابل انکاری نزد درباریان و آمریکائیان نشان بدهند و اجازه کودتا را بدست آرند!"

(هانجا)

مصدق و رهبران صادق جنبش ملی ایران، مناسفانه به سخن "شاهد" ها که خنجر آخته خیانت به مصدق و جنبش ملی ایران را نیز می کردند، بیشتر باور داشتند تا سخن درست، دلسوزانه و میهن دوستانه حزب توده ایران را، و به همین دلیل، حتی گاهی نیز در جهت فاش شدن دست اتحاد توده های ما برندا شدند. اما "شاهد" ها همانگونه که دکتر مصدق پس از سرنگونی دریافت، از ترویج افسانه "خطر کمونیسم"، تنها و تنها حفظ منافع امپریال-لیست را در ایران تعقیب می کردند و این تنها بهانه ای برای آن بود که هر گام دکتر مصدق را، که خلاف منافع امپریالیستها، به ویژه امپریالیسم آمریکا برداشته می شد، با تبلیغ "تهدید شدن خطر کمونیسم"، مورد حمله قرار دهند.

"شاهد"، در زمانیکه امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی از مصدق بکلی قطع امید کرده و کم بر سرنگونی او بسته بودند و چند حلقه از حلقه های توطئه های خویش را نیز به اجرا در آورده بودند (فروردین ۳۲)، در زمانیکه بقایا ها، به پیروی از اربابان خویش، دیگر ماسک حمایت از مصدق را از چهره برداشته و او را زیر رگبار حمله گرفته بودند، با تیردست، از "شنج مخوف کمونیسم"، که "کشور را فرا گرفته"، سخن می گفت.

"شاهد"، می نوشت:

"آنهایی که سالها در خدمت امپریالیسم سیاه و سرخ، کربسته و در بامال ساختن استقلال و ملیت ما، اجرای

قیام مردم حکومت مصدق را سرنگون ساخت!

شاه

ارگان مرکزی حزب توده ایران

۱۳۳۱

زحمتکشان ایران متحد شوید

یک جلسه پر شور در حزب

بر افتخار زحمتکشان

ملت ایران

نگذارید خائنین از دار مجازات فرار کنند

شاه

ارگان مرکزی حزب توده ایران

۱۳۳۱

زحمتکشان ایران متحد شوید

یک جلسه پر شور در حزب

بر افتخار زحمتکشان

ملت ایران

قیام خونین ملت

دروز فهای ایران را صدای زنده باد شاه، مرکز بریکاه پستان پید و مرده باد مصدق را با صدای گاه های مرگبار فرا گرفته بود.

قیام مردم تهران به مصدق نشان داد که انحراف زمامداران بخشودنی و فراموش شدنی نیست.

بگویم چه بودی چی پی؟

باز گشت اعلی حضرت شاه

ریاست ستاد سر لشکر انقلاب

نقل و کر فاطمی را از زندان گان فراموش کردی

بی ترسی سید عل قائم استاندار گلران

قیام در آذربایجان

هرگز تسلیم

بپوشید شهادت حضرت امام این اعلی

علی السلام را به خود شهادت کثرت در شکست

دولت استیلا را با خون سرخ می کرد

شاه

ارگان مرکزی حزب توده ایران

۱۳۳۱

زحمتکشان ایران متحد شوید

یک جلسه پر شور در حزب

بر افتخار زحمتکشان

ملت ایران

خوبنهای شهدای دیروز باید با صادره اموال مصدق تامین شود

این صفحه نخست "شاهد"، در روز ۲۹ مرداد ۳۴، پس از کودتای تنگین ۲۸ مرداد است. "شاهد" بطور کامل نقاب از چهره بر می گرداند افسانه "خطر کمونیسم" را به استار می نهد و سلطنت طلبی و وابستگی کامل خود را به امپریالیسم و توطئه های آن آشکار می سازد. "شاهد"، که ۳۰ روز قبل (۲۶ مرداد) بزرگترین تیر خور را چنین قرار داده بود:

"شیخ مخوف قلدری و کمونیسم ایران را فرا گرفت" در ۲۹ مرداد از "قیام مردم" و "با زکشت اعلی حضرت شاه" سخن میگوید!

"شاهد" های امروزی چه کسانی هستند؟

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

کارزار ایدئولوژیک

نام ملت خواستار خواهند شد. "شاهد"، سپس حتی اسامی (!) هیئت دولت کمونیستی جدید را هم اعلام می کند و سپس می نویسد: "این موضوع است که دیگر تاجران ایران خوانده شده، آزادی فردی و جمعی دیگر سلب خواهد شد. ایران هم مثل کلیه کشورهای که پشت پرده آهنین (!) رفتنند، از دنیای آزاد (!) و متدین (!)، به کلی جدا شده و دستخوش هوا و هوس یک مشت قلدر که در کمین نشسته اند، خواهند شد!"

(شاهد، ۱۶ خرداد ۱۳۳۲)

مصدق به راه پیشهادی "شاهد" نفرت و حاضرند که استقلال ایران و نفت آنرا بدست خود به کام طمع امپریالیستهای جنایتکار بریزد، ولی مقصود "شاهد" برآورده شد، زیرا که مصدق، علیرغم آشنایی با دیدگاههای غارتگرانه امپریالیسم آمریکا و انگلیس، در تدارک مبارزه برای مقابله با توطئه های آنها، سستی کرد، از تبلیغات "شاهد"، به هراس افتاد، هشدارهای مکرر حزب توده ایران را در مورد توطئه های خانها، "شاهد" را نپذیرفت، دست اتحاد حزب توده ایران را رد کرد، اجازه داد که جنش ملی ایران متفرق و تکه تکه بماند و اجازه داد تا "شاهد" ها آزادانه، خنجر خیانت بر پشت نهضت ملی ایران فرو کنند.

آنقدر که مصدق، از تبلیغات "شاهد" ها علیه خویش و در مورد "خطر کمونیسم"، می هراسید، از امپریالیستهای جنایتکار و غدار و خیل وابستگان آنها، بیمناک نبود و علیه آنها اقدام جدی بعمل نیاورد. کافست یادآور شویم که "شاهد" تا ۲۸ مرداد، آزادانه منتشر می شد و رگبار دشنام و دروغ بر مصدق و جنش ملی ایران می بارید. "شاهد"، درست در همان زمانی که حزب توده ایران، بی دربی و براساس اطلاعات موثق، مصدق را از توطئه کودتا آگاه می ساخت و به او هشدار می داد و بالعکس العمل بی تفاوت و خوشحیلانه او و روبرو می شد، در زمانی که زاهدی ها در صدد محاصره تهران بودند و نیروهای خود را در جنوب کشور، برای حمله به تهران آماده می کردند، در صفحه نخست خود می نوشت:

"یک خبر بسیار موثق: توده های قصد کودتا دارند و نظرات از انتشار کودتای جعلی دربار، انحراف افکار عمومی است!"

(شاهد، ۲۵ مرداد ۱۳۳۲)

و متأسفانه مصدق بدین سخنان باور داشت، زهر تبلیغات "شاهد" ها، تا به این اندازه، اندیشه رهبران ملی را مسموم و عمل آنها را فلج ساخته بود. مصدق در



روز ۲۷ مردادماه (روز قبل از کودتا)، در ملاقاتی که با لوی هندرسن سفیر آمریکا در تهران، که برای دادن اولتیماتوم به مصدق، به ملاقات او رفته بود، می پذیرد. است، از حزب توده کمک نگیرد! ("مصدق، نفت، کودتا"، ترجمه و تالیف محمود تفضلی، صفحه ۱۱۶-۱۱۵)

اخبار شاهد

"شاهد" که پس از شکست کودتای نخست (۲۵ مرداد)، که تنها به واسطه فداکاری افسران توده ای عظیم ماند، با نیت های درشت می نوشت:

"صبح مخوف قلدری و کمونیسم ایران را فرا گرفت."

(شاهد، ۲۶ مرداد ۱۳۳۲)

و در روز ۲۸ مرداد اعلام می کرد که:

"ببروزی مصدق، با همکاری ستون بنجم استعمار سرخ و سیاه و امحاء آخرین آثار آزادی، تسخیر شده است"، در

آیا می توان حزب توده را در نهضت ملی قبول کرد؟

در طی سالهای اخیر رهبران

حزب توده، تمام کینه و نفرت خود را در

جمعیت و نهضت دارد. شاهد این

برای آلت کردن آنها و مگر برای شکست

ملت خود و برای خدمت به ملت

درهای چپه ملی و حزب زحمتکشان

توده که با شتاب و روش رهبران خود

سیاست خارجی نهضت ملی باید

مشروط بر اینکه اطمینان پیدا

ایران بدست ستون پنجم صرف نظر

در تمام این مدت می توان

مشکل سیاسی و روشهای سیاسی

حزب را با این اطمینان تسخیر

با مهارت و بطور آب و رنگ

فقه در صفحه ۴

شاهد، ۲۶ مرداد ۱۳۳۲

نقل از "شاهد"، ۲ مرداد ۱۳۳۱

۲۹ مرداد، سناریوی "خطر کمونیسم" را، که دیگر وظیفه

خود را به انجام رسانده بود، پایان می دهد و با حروف

درشت می نویسد:

"قیام مردم (!)، حکومت مصدق را سرنگون ساخت.

دیروز فضای تهران را صدای زنده باد شاه، مرگ بر

بیگانه برسان بلید و مرده باد مصدق، توأم با صفیر

گلوه های مرگبار فرا گرفت.

بارگشت اعلیحضرت شاه!"

مقصود بدست آمده بود و لذا "خطر کمونیسم"، از

صفحات "شاهد"، ناپدید میشود، همانگونه که هیچگاه

وجود نداشته است.

کار "شاهد" و باقی را "شاهد" ها و باقی های دیگر،

به شکل دیگر ادامه دادند. آنها تاریخ جنش ملی ایران

را از نو نوشتند و این بار حزب توده ایران را "خائن" و

"مفسر" وانمود کردند که گویا "با مصدق اتحاد نکرد"،

"در کار جنش ملی شدن نفت اختلال کرد" و...

یک خبر بسیار موثق

توده ای قصد کودتا دارند

و نظرات از انتشار کودتای جعلی دربار

انحراف افکار عمومی است!

اخبار بسیار موثق که بدست ما افتاده فاش کرده است که حزب

توده، در نظر دارد، از موقعیت فعلی استفاده کرده و بدست یک کودتای

کمونیستی براند.

طبق تحقیقاتی که بعمل آمده، و گزارشاتی که به خود دولت

(دولت و افغان حزب توده) رسیده، تماماً تأیید می کند که از اواسط

۲۵ مردادماه ۱۳۳۲

شاهد - ۲۵ مردادماه ۱۳۳۲

شاهد "ها و باقی های بدن هم آمدند. آنها می که

پس از پیروزی انقلاب ایران از لانه جاسوسی آمریکا روئیدند

تا با بیول و حمایت جاسوسان آمریکایی، این بار زیر لوی

هواداری از "اسلام"، باز هم در گرنای "خطر کمونیسم"

دمیدند و سناریوی کهنه، ولی کار ساز را دیگر بار به اجرا

گذاشتند.

متأسفانه، اکنون نیز، مصدق ها و فاطمی ها، که

علیرغم صداقت در مبارزه با امپریالیسم به سرکردگی

امپریالیسم آمریکا، به این سناریوی کهنه امپریالیستی

باور می کنند و خود ناخواسته به اجرای آن یاری می رسانند،

اندک نیستند. هدف همان است که در گذشته بود: رهبران

انقلاب ایران را وادارند که "برای مقابله با کودتایی که بر

ضد آن در شرف تکوین است"، از "اتحاد" مدد بگیرند و

به نفاق تن در دهند.

این سناریو، نباید به ۲۹ مرداد منجر گردد. ۲۹

مردادی که دیگر "شاهد" ها از "خطر کمونیسم" سخن

نمی گفتند، خطری که هیچگاه وجود نداشته است.

(ادامه دارد)

نقل از "شاهد"، ۲۹ بهمن ۱۳۳۱

۲۷ مردادماه (روز قبل از کودتا)، در ملاقاتی که با

لوی هندرسن سفیر آمریکا در تهران، که برای دادن

اولتیماتوم به مصدق، به ملاقات او رفته بود، می پذیرد.

است، از حزب توده کمک نگیرد! ("مصدق، نفت، کودتا"، ترجمه و تالیف محمود تفضلی، صفحه ۱۱۶-۱۱۵)

۲۷ مردادماه (روز قبل از کودتا)، در ملاقاتی که با

لوی هندرسن سفیر آمریکا در تهران، که برای دادن

اولتیماتوم به مصدق، به ملاقات او رفته بود، می پذیرد.

است، از حزب توده کمک نگیرد! ("مصدق، نفت، کودتا"، ترجمه و تالیف محمود تفضلی، صفحه ۱۱۶-۱۱۵)

۲۷ مردادماه (روز قبل از کودتا)، در ملاقاتی که با

لوی هندرسن سفیر آمریکا در تهران، که برای دادن

اولتیماتوم به مصدق، به ملاقات او رفته بود، می پذیرد.

است، از حزب توده کمک نگیرد! ("مصدق، نفت، کودتا"، ترجمه و تالیف محمود تفضلی، صفحه ۱۱۶-۱۱۵)

۲۷ مردادماه (روز قبل از کودتا)، در ملاقاتی که با

لوی هندرسن سفیر آمریکا در تهران، که برای دادن

اولتیماتوم به مصدق، به ملاقات او رفته بود، می پذیرد.

است، از حزب توده کمک نگیرد! ("مصدق، نفت، کودتا"، ترجمه و تالیف محمود تفضلی، صفحه ۱۱۶-۱۱۵)

۲۷ مردادماه (روز قبل از کودتا)، در ملاقاتی که با

لوی هندرسن سفیر آمریکا در تهران، که برای دادن

اولتیماتوم به مصدق، به ملاقات او رفته بود، می پذیرد.

است، از حزب توده کمک نگیرد! ("مصدق، نفت، کودتا"، ترجمه و تالیف محمود تفضلی، صفحه ۱۱۶-۱۱۵)

۲۷ مردادماه (روز قبل از کودتا)، در ملاقاتی که با

لوی هندرسن سفیر آمریکا در تهران، که برای دادن

اولتیماتوم به مصدق، به ملاقات او رفته بود، می پذیرد.

است، از حزب توده کمک نگیرد! ("مصدق، نفت، کودتا"، ترجمه و تالیف محمود تفضلی، صفحه ۱۱۶-۱۱۵)

۲۷ مردادماه (روز قبل از کودتا)، در ملاقاتی که با

لوی هندرسن سفیر آمریکا در تهران، که برای دادن

اولتیماتوم به مصدق، به ملاقات او رفته بود، می پذیرد.

است، از حزب توده کمک نگیرد! ("مصدق، نفت، کودتا"، ترجمه و تالیف محمود تفضلی، صفحه ۱۱۶-۱۱۵)

۲۷ مردادماه (روز قبل از کودتا)، در ملاقاتی که با

لوی هندرسن سفیر آمریکا در تهران، که برای دادن

اولتیماتوم به مصدق، به ملاقات او رفته بود، می پذیرد.

است، از حزب توده کمک نگیرد! ("مصدق، نفت، کودتا"، ترجمه و تالیف محمود تفضلی، صفحه ۱۱۶-۱۱۵)

۲۷ مردادماه (روز قبل از کودتا)، در ملاقاتی که با

لوی هندرسن سفیر آمریکا در تهران، که برای دادن

اولتیماتوم به مصدق، به ملاقات او رفته بود، می پذیرد.

است، از حزب توده کمک نگیرد! ("مصدق، نفت، کودتا"، ترجمه و تالیف محمود تفضلی، صفحه ۱۱۶-۱۱۵)

۲۷ مردادماه (روز قبل از کودتا)، در ملاقاتی که با

لوی هندرسن سفیر آمریکا در تهران، که برای دادن

اولتیماتوم به مصدق، به ملاقات او رفته بود، می پذیرد.

است، از حزب توده کمک نگیرد! ("مصدق، نفت، کودتا"، ترجمه و تالیف محمود تفضلی، صفحه ۱۱۶-۱۱۵)

۲۷ مردادماه (روز قبل از کودتا)، در ملاقاتی که با

لوی هندرسن سفیر آمریکا در تهران، که برای دادن

اولتیماتوم به مصدق، به ملاقات او رفته بود، می پذیرد.

سازمان زنان عراق چهره واقعی رژیم بعث عراق را، که قاسم ملو با کمک آن قصد دستیابی به «خود مختاری» دارد، افشامی کند!

کلیه کسانی که هوادار دیکتاتوری
صدام حسین نیستند، دسته جمعی کشته
میشوند رژیم فاشیستی بعث عراق،
زندانیان را از طریق غذا با جیوه
مسموم می کند

سازمان زنان عراق، طی بیامی به کلیه سازمانهای
بین المللی، کمیته دفاع از حقوق بشر وابسته به سازمان
ملل متحد، کمیته اروپائی دفاع از حقوق بشر، سازمان
غفو بین المللی، سازمان جهانی حقوق دانان دمکرات،
کلیه سازمانهای دمکراتیک جهان، احزاب و نیروهای
مترقی سراسر جهان و همه آزادگان عالم، از چهره
جنایتکار رژیم فاشیستی بعث عراق پرده بر گرفته است و
گوشه ای از جنایات این رژیم سفاک را علیه مردم عراق،
افشا کرده است. در این پیام آمده است:

رژیم دیکتاتوری عراق، در شرایطی که ادعا دارد
دمکراسی مستقر در آنجا، دمکراسی نمونه در سراسر
جهان است، متوسل به وحشیانه ترین اعمال خشونت آمیز
علیه هم وطنان و بهترین رزمندگان مرد و زن شده، که
در نتیجه آن کلیه کسانی که هوادار دیکتاتوری صدام
حسین نیستند، دسته جمعی کشته میشوند.

این رژیم، کلیه اصول اخلاقی و قانونی و عرف
بین المللی مربوط به انسان و آزادیهای اساسی وی را
زیر پا گذاشته است. این رژیم بدین اکتفا نمیکند که از
لحاظ تعداد حکمائی که علیه مخالفین سیاسی اش صادر
کرده، رکورد کلیه احکام اعدامی را که از بدو تأسیس
حکومت عراق در همه دوم قرن حاضر تا بحال داده شده،
بشکند بلکه از این تجاوز کرده و روشهای چنان وحشیانه
و ناجوانمردانه ای بکار میگیرد، که کمتر بفکر رژیمهای
دیکتاتور همالکی اش میرسد.

برای نمونه روش تازه ای که برای تصفیه مخالفین
زندانی از آن استفاده میکند، ذکر می گردد، که عبارت
از ایجاد مسمومیت در زندانیان و وسیله جیوه از راه
خوراکیهاست.

رژیم توانسته از این راه رفتا: حسن لطیف (دانشجو)
سعدیچای (کارگر)، علی عبدالغنی (دانشجو) و در زندان
به شهادت رساند. در اثر این عمل جنایتکارانه، دهها
زندانی که به دوازده مسموم شدن در زندانهای سازمان
امنیت و رکن دوم بعثیها، آزاد شدند، فوت کرده اند. و
این خطری است که سرنوشت کلیه زندانیان را تهدید

می کند.
ما خواستار مداخله جدی شما برای پایان دادن
به این کشتار وحشتناک و آزادی هم میهنان زندانی در
عراقیم. ما همه افراد شرافتمند در سراسر جهان، میخواهیم
که بانگ اعتراض خود را علیه جنایات وحشیانه ای که
رژیم عراق برای نابودی بشر، از راه مسموم کردن
زندانیان مرتکب میشود، بلند کنند و آت را افشاء و محکوم
سازند.

خواهران رزمندگان در نقاط مختلف جهان!
برای آزادی خواهران هم میهن: لیلی یوسف (ام
حارث) رزمنده ۵۰ ساله، رجا مسجد رشید (ام سلام)
رزمنده و مادر دوطرف، عبدالستار زبیر و دهها زنی که
بازداشت شده و تاکنون اثری از آنها پیدا نشده است،
بکوشید.

این زنان، مادران شایسته و رزمندگان جدی بودند.
برای رهایی آنها از خطر مرگ توسط رژیم بعث، خطری
که هر مردوزن شرافتمندی را تهدید میکند، مبارزه کنید.

سازمان زنان عراق
بغداد ژوئیه ۱۹۸۰

تنبیه بدنی کارگر در دوران انقلاب!

کارگری که مدت ۳ سال است بعنوان داننده
کارخانه "آر سازی مرزبان و ش. کا" در شیراز کار
می کند، به علت گرفتاری خانوادگی نتوانست مدت
۷ روز سرکار خود حاضر شود. پس از بازگشت
مراجعه به کارخانه، کارفرما به او فحش و ناسزا
می دهد و سیلی محکمی به گوش کارگر میزدند
کارگر نامبرده طی شکایتی به اداره کار
استان، اظهار میدارد که: در این سه سال از اکثر
حقوق قانونی، از جمله - حق مسکن، حق عائله
مندی، حق جیره بندی غیر نقدی و حق مرخصی
سالیانه محروم بوده و کارفرما هیچ کدام از آنها را
به وی نپرداخته است. وی در طول سال از حق
مرخصی سالیانه خود استفاده نکرده و حال که
بدلیل گرفتاری نتوانسته سر کار حاضر شود، کارفرما
اورا تهدید کرده و حتی اقدام به تنیه بدنی این
کارگر زحمتکش می کند.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محترکان است

شوخی نیست...

یکی از ویژگی‌های زندگی همگانی در کشورهای سوسیالیستی، شرکت همه‌جانبه شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی است.

بیش از دو میلیون نفر در «ندراسیون بندیکهای آزاد آلمان» در سمت‌های بندیکایی انجام وظیفه میکردند.

۸۰۷۶۸ نف در شهر اهلی همکاری مدرسه - خانه اهلی بودند.

جدول زیر در صد سودیژه مهم‌ترین کسرن‌های تسلیحاتی جمهوری ندرال آلمان را نسبت به سرمایه پیش ریخته آن‌ها ، با رقم مشابه برای عدرکرت سهامی بزرگ در گستره غیر تسلیحاتی مقایسه میکند.

مخارج کرایه یک تراکتور سربه فلک می زند ،
دزدان با دیه های تراکتور نیاز دارند ،

دزد آلود را آلود کنید!

دزدآباد در ۳۰ کیلومتری مرودشت (ساکنان فارس) قرار دارد. خانه‌های خشت و گلی و کوچه‌های باریک و سنگ‌ریزه‌پوش و فضولات حیوانی در جاهای تاریخی این روستا را می‌بیند. این روستا دارای ۵۰ خانوار است که از این تعداد ۸ خانوار خوش‌نشین و بقیه خرده‌مالگانی هستند. که هر یک دارای ۸ الی ۱۰ هکتار زمین هستند. روستا در حدود ۴۲ هکتار زمین مزروعی دارد. زمین‌های مزروعی این روستا در مسیر دوخان‌کر قرار دارد و بدین‌جهت روستا در عت‌گندم غالباً بصورت "آبی" می‌باشد.

طریقه‌گساروری بدین صورت است که راس «بندامیر» که بر روی خانه که احداث شده، گانایلیائی را گساروری اندک با راه مزارع دهقانان می‌رساند. البته چون گانایلیا عمیق هستند از سطح زمین زیرکشت با شلین بر فراز دارند. بایرا کیسین از بارگانا از ۴ عددیمپ کوچک و بزرگ استفاده می‌شود.

در این روسا تنها یک دستگاه تراکتور وجود دارد که گفان زمینهای ده را می‌دهد. برای تخم‌زدن زمینها روسا شیان مجبورند تراکتور را به قیمت گران‌تری بخرای کنند و پس از برای درو کردن گندم یا پدکمای بیهای سرما یه داران را بکار گیرند که آنان هم برای درو هر ۱۵۰ من ۱۰۰ گندم اجرت میگیرند. با توجه به قیمت سنگین میم‌آب (از ۳۰۰ هزار تومان تا ۱۰۰۰ هزار تومان) و بزرگ‌داری تراکتور و گمایین و نیز

شعله‌شودال درده دلولایی

درا این روستا عوامل ارباب هتوزا حب قدرت ونفوذی بانداهالی تگرا تشکله میانه بهینکا مفعالیته هیئت ۷ نفره اربابها بیوانسند درامورتقسیم زمین اعمال شتوگندکتی جاراه داران مالکین درده جماعت آهسته هتسبند خوشختانه مردم اخیرا توانسته اند شورای خود را تشکیل دهند و از بین خود ۵ نفر نماینده انتخاب نمایند.

روستای طولابی در بخش هرسم در فاصه
دو کیلومتر شرق اسلام آباد غرب قرار

روستای طولایی در بخش هرمدرقا طلسه
۴۰ کیلومتری شرق اسلامآباد در غرب قرار
دو جمعیت آن حدود ۱۵۰۰ نفر است .

در این روستا اکثر دهقانان کم زمین
محدود و اندر دهقان بی زمین نیز در این
سا زندگی میکنند و لایه از جمله روستاهائی
که هنوز هم آثار رشد و التسمیر و شنی در آن
بود است. دهقانان عمدتاً در گذشته بصورت
گران قطعی در شیرها (خوزستان) کار میکرد-
و اکنون همه بیگارند.

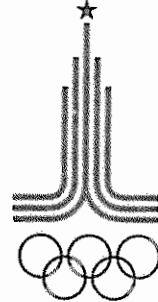
یکی از دهقانان کم زمین طواری میگوید:
من زمینهای مرغوب دهگه زمین را به هکتار
و ده ارباب است ولی ما زنی زمینی
رو شهرها می نویسم و حالا که ما زمینگرسته
استدایم، ولی اینهمه زمین خوب و مرغوب مال
نست که آنرا می کارنی کند.
آقای کالی جلیلیان دهقان سی زمینی
بی ۵۰ ساله می گوید: در گذشته کارگری
بردم و سرعالتندار و کم تنبیه خرسان دیگر
نیست ممکن فقط تنها امید به دولت
و اصلاحات. زمینهای مرغوب زیادی در اینجا
که دولت میباید آنها را به دهقان واگذارد
و این زمینها خرج همه اهالی را میدهند.
گوییدان برای کدام نذر ام آیا باید
خلاف قانون انجام دهیم؟

آقای علی روستائی دهقان بی زمین
بر ۷۰ ساله میگوید: ۱۱ سرعاضه دارم و
میرم زمین کشاورزی دارم زمین
میں دهندهن بر اجهما بی حنایه بیان دارند.
با آقای جعفری مرادی دهقان کم زمین
بی که عفر سواری دههم بیان کشفنگوشی
تسکده از طرف سواری دهونیز از طرف خودش
لاتان را با رگو می کند. او چند کیتا مه
بیان میندهد و میگوید اینهمه فریاد می
کولی، جوابی نیست. آب، برق، پل،
ده، از همه اینها محروم حتی کم بسته
دهم بیان ندا ده ندیجه من بکلت میری
بیان به بر نجات ولی نتوانستم برایش
کیم.

آقای خیدان نامری دهقان طولانی
گوید: به ما نفری یکسیر روغن رسیده است.
ما بین ما و شهری هافق میگذارند اگر اراق
ست چرا در شهر فراوان است بسته تا پدر اکه
ریال قیمت دارد در شهر به ۵۰ ریال می -
ان خرید. ولی ما حاکم رکنیم.

در
المیک
مسکو:

صلح، دوستی و تفاهم میان ملت‌ها فاتح گردید



نظام سوسیالیستی،
برتری عظیم خود را
بر نظام سرمایه‌داری
نمایاند.
امپریالیسم آمریکا،
با تحریم المپیک
مسکو، شکستی
فضیحت‌بار خورد.



بازی‌های المپیک مسکو، که روز ۲۸ تیرماه آغاز شده بود، سرانجام پس از ۱۵ روز مبارزه پرشور قهرمانان ۸۱ کشور جهان به پایان رسید و آتش المپیک بار دیگر فرو خفت و به جایگاه همبستگی خود در یونان بازگشت، تا ۴ سال بعد، در لس‌آنجلس (آمریکا) بار دیگر به مناسبت تفاهم، دوستی و هم‌زیستی ملل جهان در یک گردهم‌آیی پرشور دیگر، شعله‌ور گردد.

المپیاد بیست و دوم، گذشته از نتایج و دستاوردهای شگفت‌آورش در عرصه ورزش، که از آن سخن خواهد رفت، کارزاری بزرگ را در عرصه سیاست به سود نیروهای صلح‌دوست و ترقی‌خواه، به سود دوستی و تفاهم ملل جهان و تحکیم پایه‌های هم‌زیستی و به زبان نیروهای سیاه جنگ‌طلب، ضد انسانی و تشنج‌آفرین، به پایان برد و شکستی سخت در این عرصه به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، وارد ساخت.

امپریالیست‌های آمریکایی و انحصارات بزرگ امپریالیستی، که از تحولات سال‌های اخیر در عرصه جهانی و تغییر شدید توازن قوا به سود نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه جهان، به شدت ناراضی بودند و تلاش آن‌ها برای دامن‌زدن به تشنج جهانی و تیره کردن فضای دوستی و تفاهم میان ملت‌ها، بسا شکست‌های فضیحت‌بار مواجه گردیده بود، از مدت‌ها قبل به مراسم المپیک چون واقعه‌ای "نامطلوب" می‌نگریستند و سردمداران انحصارات امپریالیستی حتی از لزوم طغی کردن بازی‌های المپیک سخن می‌راندند.

خصومت هارترین و جنگ‌طلب‌ترین محافل امپریالیستی با بازی‌های المپیک، تعجبی برنی‌انگیزد، زیرا فلسفه بازی‌های المپیک همواره ایجاد نزدیکی میان ملت‌ها و تحکیم دوستی مابین آنها و گسترش زمینه‌های هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جهان را تعقیب می‌کرده است، امری که با ماهیت تشنج‌آفرین، تفرقه‌افکن و ضد‌مردمی انحصارات جهان‌خوار امپریالیستی مابین آشکار دارد.

گذشته از این امر، بازی‌های المپیک در دوران اخیر، بیش از پیش به یکی از شاخص‌های برتری کیفی سیستم جهانی سوسیالیستی بر سیستم سرمایه‌داری، بدل شده است، امری که طبیعتاً نمی‌تواند برای نظریه‌پردازان امپریالیستی و اربابان آنها، انحصارات امپریالیستی، که وسیع‌ترین تبلیغات را علیه سوسیالیسم به پیش می‌برند، مطلوب و خوشایند باشد. نظام انسانی و صلح‌طلب سوسیالیستی، که به سرعت در عرصه‌های گوناگون برتری کیفی خود را، علی‌رغم تمام تبلیغات دروغین امپریالیستی، بر سرمایه‌داری می‌نمایاند، در دوره‌های اخیر بازی‌های المپیک انبرخشی معجزه آسای خود را در ارتقاء کیفیت ورزشی کشورهایی که در دهه‌های گذشته به اردوگاه سوسیالیسم پیوسته‌اند نمایان می‌سازد.

در واقع بازی‌های المپیک به واقعه‌ای بدل شده است که هر ۴ سال آشکارا شکست بزرگ دیگری را بر سیاست جنگ‌سرد امپریالیست‌ها تحمیل می‌کند و اذهان جهانیان را به ضرورت و ضرورتی مبارزه در راه صلح و دوستی بین ملت‌ها متوجه می‌سازد. بی‌شک هوده نیست که امپریالیسم با چنین خشمی به المپیک می‌نگرد، و با توجه به مطالب فوق، باید به‌یاد آورد که در آستانه بازی‌های المپیک مسکو، امپریالیسم آمریکا با سوءاستفاده از رویدادهای افغانستان، کوشید تا توطئه ننگین خود را علیه این جشن

پتیه از صفحه ۱

دانشجویان مبارز ایرانی...

ارویای غربی، بویژه فرانسه و بریتانیا، استرداد صدها عناصر ضدانقلابی را، که شب و روز علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه کودتایی چینه‌د، طلب کند؟ مگر همین دولت فحیمه "آزادی پرور" بریتانیا نیست، که نه تنها به خونخوارترین دیسبم گران علیه انقلاب ما پناه می‌دهد، بلکه دانشجویان ایرانی را، که به همبستگی با دؤستان خود در آمریکا، در برابر سفارت آمریکا درلندن به تظاهرات مسالمت‌آمیز دست زده‌اند، به جرم "سدمبر" دستگیری کند و تحویل دادگاه می‌دهد. ظاهراً رفتار دنیاله روانه اینگونه کشورها از آمریکا به مذاق برخی نمی‌سازد که می‌خواهند به کمک کشورهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن علیه "ابرقدرت"ها و بسود مستضعفین جهان "قیام" کنند!

هر قدر دولت آمریکا به فشار خود علیه دانشجویان انقلابی مادر آن کشوری افزاید، بهمان اندازه نیز جنبش همبستگی مردم ایران و دانشجویان ایرانی در سراسر جهان با آنها گسترش می‌یابد. عطاء و هواداران حزب ما در خارج از کشور نیز با دانشجویان ایرانی هوادار انقلاب در آمریکا، مستغرقند.

زمین حق روستا شیان چارداق بن جویبار
قائم‌شهر است

یکی از دهقانان روستای چارداق بن، که با زن و فرزندانش خودجولای فرمانبرداری و شهرداری قائمشهر اجتماع کرده بود، میگفت: "ما روستا شیان چارداق بن پس از ۱۶ ماه آمودرنت به دادگاه انقلاب و شکایات فراوان، توانستیم ۱۵۰۰ هکتار از زمینهای ارباب‌زبان خودمان تقسیم کنیم. بعد از آن به علت مزاحمت جماعت ارباب و شکایت روستا شیان، رئیس دادگاه انقلاب اورا بزندان انداخت. ولی پس از تمویض رئیس دادگاه، ۱۵۰ نفر دهقان را از جویبار روده شورگا آورده اند که ادعا می‌کنند زمینها مال آنهاست. این افراد در حسابی زندگی می‌کنند که با ده‌ها ۵۰ کیلومتر فاصله دارد. این دیسب خود ارباب است که عده‌ای را واداشته است به زمینهای ما هجوم آورند. ما ۸۰ خانواریم و با رنج و زحمت سالهاست که روی این زمینها کار کرده‌ایم."

این یک شیوه شیطان‌ی مالکین بزرگ است که دهقانان زحمتکش را بجان هم بیاندازند تا خودشان از آب گل آلوده می‌بگیرند. دهقانان که کودکان آنها را نیز می‌کشند و همراه آورده بودند، از فرمانداری قائمشهر می‌خواستند که رشتان رسیدگی کنند.

زمینداران بزرگ و فئودالها، همانگونه که در خلعت طبقاتی آنان نهفته است، عمل می‌کنند تا رنجی آنها را نیز بربایند. عمل اندازی همراه است. مسائل دهقانان زحمتکش با زمانی واقعا حل می‌شود که مقامات مسئول با اجرای بی‌گیرقانون و گذاری زمین به دهقانان تپه دست، زمینه عینی اعمال نفوذ و تهاجمات و زحمتکش آنها را محو کنند. دهقانان باید بدانند که همه زحمتکشان روستاها، هر کجا زندگی کنند، برای درو و متحد آنها هستند، و زمین داران بزرگ، هر عده‌ای که به آنها بدهند، دشمن خونی باقی خواهند ماند. روستا شیان زحمتکش باید با اتحاد خود به زمین که مهم‌ترین و ضروری ترین وسیله کار روزندگی آنان است دست یابند. زمین داران بزرگ می‌کشند دهقانان ناآگاه را فریب دهند و آنان را علیه یکدیگر تحریک کنند. دهقانان با اتحاد و تشکیل خود در اتحادیه‌های دهقانی، از تهاجمات و تفرقه پیریزی خود را برای دریافت زمین آماده سازید. مقامات مسئول باید قطعاً نه وسیله "قانون و گذاری زمین را بسود کلیه دهقانان تهیدست اجسرا و توطئه زمین داران اخنشی کنند.

روستای وایقان را دریا بید

روستای وایقان با ۶۰۰ خانوار در ۶ کیلومتری بخش شیستر واقع است. از این تعداد ۹۵ خانوار بدون زمین هستند. اهالی این روستا مانند دیگر روستاهای آذربایجان از بی‌آبی رنج می‌برند. تاکنون چندین بار اقدام به حفر چاه عمیق کرده‌اند، ولی به آب شور رسیده‌اند. گذشته از آن روستا دارای تپه‌ای است که تاکنون به "لا" خنک شده و احتیاج به برمه لارویی دارد. علاوه بر زراعت غله و میوه، دام‌داری و قالیبافی نیز در روستا رونق دارد. زمین‌ها به‌بیشتری جهت توسعه دامپروری موجود است، ولی تاکنون بی‌شوجهی مقامات مسئول و نرسیدن کمک‌های لازم به روستا شیان مانع گسترش آن شده است.

حاصل زحمت و کار قالیبافان نیز به جیب چند سرمایه‌دار می‌رود، که قالیبافان و سایر اولیه و مواد را از آنها می‌گیرند، زیرا خودشان توانایی مالی فراهم کردن این وسایل را ندارند. در حالیکه با تشکیل یک تعاونی تولید قالی می‌توان با این مشکل بزرگ پایان داد.

دروایقان چند تنه آذربیزی وجود دارد. کارگران اکثر آن "ازکرده‌ای" هستند که در تابستان برای پیدا کردن کار به این منطقه می‌آیند و با تحمل محرومیت‌های فراوان همراه با افراد خانواده خود به کار می‌بردارند.

این روستا دارای برق و حمام و مدرسه است. ولی قادر به نگاه‌داشتن گاوشی است.

پس از پیروزی انقلاب، اهالی وایقان با همبستگی خود، دبستان روستا را گسترش دادند و اکنون کودکان روستا می‌توانند تا آخر دوره را هنرهای تحصیل کنند.

این نمونه دهقانان ناآموخته است که با اتحاد و کمک یکدیگر می‌توانند دشواریها را از پیش پای خود بردارند. به‌خصوص تشکیل تعاونی‌ها می‌تواند مشکل گشای امور تولیدی و همچنین مصرفی روستا شیان باشد.

خواستهای مهم اهالی وایقان عبارتند از:

۱- تامین آب مزرع روستا و کمک جدی دولت برای زدن چاه و لارویی قنات،

۲- ایجاد شرکت تعاونی و در اختیار گذاشتن وسائل کشاورزی و تراکتور با قیمت ارزان به کشاورزان،

۳- دادن وام به روستا شیان جهت گسترش دامداری و توسعه کشاورزی روستا،

۴- رسیدگی به وضع قالیبافی در روستا و کوتاه کردن دست واسطه‌ها از طریق دادن وام و کمکهای دستر دولت.

بازی‌هایی که محتوی واقعی تحریم آن، ناراضی امپریالیسم آمریکا از شکست توطئه خویش علیه یک انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی است، به سود انقلاب ایران نبود. با کمال تأسف جای ایران در میان متحدین واقعی و بی‌گیر انقلاب آن، که همگی

در المپیاد مسکو شرکت داشتند، خالی بود. المپیاد مسکو، علی‌رغم تحریم امپریالیسم آمریکا و متحدان و دست‌نشاندهان آن، نمایش بانکوهی از قدرت‌نمایی ورزشکاران جهان را در بالاترین سطح ممکن عرضه کرد. شکست شدن ۳۶ رگوردر جهان و ۷۴ رگوردر المپیک در این مسابقات، که سطحی بالاتر از المپیاد پیشین (مونترال) رایبه نمایش گذارد، بیان عددی این موفقیت بزرگ بود (در المپیاد بیست و یکم تنها ۳۴ رگوردر جهانی و به تعدادی کمتر رگوردر المپیک شکسته شده بود).

۶ کشور سوسیالیستی: اتحاد شوروی، جمهوری دموکراتیک آلمان، بلغارستان، مجارستان، رومانی و گویا، مقام‌های اول تا ششم را به خود اختصاص دادند. ۱۱ کشور سوسیالیستی در این مسابقات ۷۶ درصد مجموع ۶۲۸ مدال را بردند و ۱۱ کشور سرمایه‌داری رشداشته تنها ۱۸ درصد کل مدال‌ها را کسب کردند. این تفاوت عظیم و کیفی، که به ویژه به برکت رشد سریع ورزش در کشورهای سوسیالیستی چون گویا، آلمان دموکراتیک و بلغارستان در سال‌های اخیر به دست آمده، بار دیگر امکانات عظیمی را که برای پیشرفت ورزش خلقی در نظام سوسیالیستی وجود دارد، آشکار ساخت.

نتیجه دیگر قابل‌تعمقی که از المپیاد مسکو به دست می‌آید، وضع کشورهای رشداشته و تحت‌سلطه است. این کشورها، که اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در المپیاد مسکو را تشکیل می‌دادند، (قریب به ۶۰ کشور)، تنها ۶ درصد کل مدال‌ها را به دست آوردند. این واقعیت، دلیلی دیگر بر عمق فجایع سرمایه‌داری و نتیجه‌ای است که در قبال سطره امپریالیسم بر اکثریت این کشورها به‌دست می‌آید. اکثریت این کشورها یا هنوز در راه رشد سرمایه‌داری گام می‌سیرند و یا به نازکی گام‌هایی در جهت قطع وابستگی به امپریالیسم و کسب استقلال برداشته‌اند، ولی هنوز بطور عمده آثار سطره سوم امپریالیسم را بر یکسر خود دارند. غارت وسیع امپریالیستی در این کشورها، فقر مزین و فقدان بهداشت لازم، بیکاری گسترده و اقتصادی وابسته، امکانات بسیار محدودی را برای پرورش جوانان و شرکت و سوسع آن‌ها در میادین ورزش فراهم می‌آورد. اما روند شرکت فزاینده این کشورها در تعیین سربوست خویش، روند رشداشته مبارزه بی‌امان آنها با سطره امپریالیستی، آینده‌ای نویدبخش در مقابل جبهان مامکسراند، آینده‌ای که در آن این توده‌انبوه خواهند توانست جای واقعی خود را در میادین بین‌المللی ورزش نیز کسب کنند.

امپریالیسم آمریکا بزرگترین بازنده المپیک مسکو بود و رسوایی دیگری بر بیسینه‌های ننگین خود افزود. خبرنگاران کشورهای امپریالیستی در المپیک مسکو شرکت جستند تا با تمام قوا در آن خرابکاری کنند و اخبار هیجان‌انگیز و دروغ به دنیا مخابره کنند، اما آنها نیز دست‌خالی و روسیاه بازگشتند.

صلح، دوستی میان ملت‌ها، تفاهم و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در المپیک مسکو پیروز شد و ورزشکاران ۸۱ کشور جهان خاطره‌ای فراموش‌نشده از این جشن انسانی با خود به کشورهایشان بردند.

نیروهای سیاه جنگ‌طلب، دشمن دوستی و منادی تیرگی و خصومت میان ملت‌ها، رسوایی دیگری بر نباهی‌های پیشین خود افزودند.

انسانیت فاتح المپیک مسکو بود.

گروهک‌های مائوئیستی بیکار، راه‌کارگر، طوفان... و دیگر ترس‌های بیک آمریکا، در شهرت این روزها به اصطلاح خودشان دست به تظاهرات موضعی می‌زنند و قمع‌داران دجورا برای برخورد‌های فدا انقلابی آماده‌سازند.

این گروهک‌های سیاه ساخته در تظاهرات روزمره خود، که غالباً تعداد شرکت‌کنندگان در آن از چند صد نفر تا یکی تا چند هزار نفر، علیه نهادهای انقلابی و رهبران انقلاب شعار می‌دهند.

مردم را به به اصطلاح مبارزه با آنها فرا می‌خوانند. این افراد همچنین از مسئله گرانی و سایر ناراضی‌های موجود در سطح جامعه برای لطمه زدن به انقلاب استفاده می‌کنند. ما توجه مقامات مسئول را به این مسئله جلب می‌کنیم.

مائوئیست‌ها

جاده صاف کن‌های

آمریکا

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا
تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

...and the